



ارگان کمیته خراج زکشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول - شهریور ۱۳۶۶

هشتمین سال جنگ و جنبش صلح

در این آنجا طبقه کارگر بسته به موقعیت و متناسب با شرایط و طرق مختلف علیه جنگ مبارزه می کنند. اما آنچه در این نوشته مورد نظر است جنبش ضد جنگ در سطح خراج زکشور است. هما نظر که می دانیم خراج زکشور زمینه بسیار مساعدی برای برپا کردن جنبش ضد جنگ، که در حقیقت جز در مسیر سرنگونی رژیم فقیها نیست، فراهم میکند. نوده مهاجرین ایرانی و افکار عمومی مردم کشورهای غربی، خصوصاً لایه های مکررات و ملحد دوست، مستعد سازمانیایی برای چنین جنبشی بوده هستند. و با تل بقیه در صفحه ۲

نمی مانند که بعد از کرم خراج و ریخت و با شپهای نپا دها و دولتی، برای سرکردن شکم گرسنه کارگران و زحمتکشایک کشور ۴۸ میلیونی صرف شود. بسیاری با سخه این اقتضاً در هم نکتسه، فقها جز تعطیل رشته های تولیدی و بیگاری سازی توده های کارگران، جز کاهش هزینه های عمومی و سخت تر کردن زندگی و معاش زحمتکشان برآه دیگری نرفته اند. در قبایل محاذات جنگ و بمباران بحرانهای ویرانگر، خواست صلح و جنبش ضد جنگ در میان مردم دامنه گسترده ای یافت است. توده های مردم و

هفت سال از جنگ ارتجاعی ایران و عراق گذشت، جنگی که در آن تعداد کشته ها و محرومین را با رقم میلیونی شمارش می کنند، جنگی که با عت و سرانی نپرها و روستا های مساری، آوارگی میلیونی از سفر از مردم و نابودی عیال و سادات معنی متعدد و آسب های جدیدی را لوده های افتما دید و کشور داده است. در کشور ما، بیش از ۴۰ درصد از ناشی از تروش نفت، صرف خریدها و تسلیحاتی می شود، و در همین حد نیز از توان همه رشته های افتما دی صرف سپه ها می گردد، در نتیجه چندان چیز در کسبه فقها



اعلامیه مشترک

اعلامیه مشترک کمیته خراج زکشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و نمایندگی شورایی عالی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خراج زکشور بمناسبت آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق در صفحه ۳

پیام همبستگی کمیته خراج زکشور سازمان به حزب کمونیست ترکیسه اتحاد (TKPB) بمناسبت سالروز کودتای نظامیان در ترکیه در صفحه ۳

۱۷ شهریور: بلوغ جنبش انقلابی در صفحه ۱۵



انقلاب نیکارگونه و جنبش زنان

در صفحه ۴

زندگی و مبارزات پناهندگان

آلمان فدرال - گوتینگن دعوت به تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق
آلمان فدرال - یک پناهنده هندی با زگردانیده شد
یک پناهنده فنائی خودکشی کرد! پاکستان - کراچی: اسکان پناهندگان ایرانی در اردوگاهها گزارشی از موقعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان بعد از حمله ی مزدوران جمهوری اسلامی به آنان در صفحات ۶ و ۸

”سراب خمینی“
”سراب حزب توده“
در صفحه ۱۴

هشتمين سال جنگ و جنبش صلح

ارتباط جمعی با امکانات گسترده، اگرچه در همه موارد زمینه‌ها، قابلیت خدمت گرفته شدن برای چنین هدفی را داشته‌ودارند. بخش بزرگی از تسویه مهاجرین برای نروا نا نی تشکیل می‌دهند که بدلیل رها نشدن زکوره آدمخوار جنگ، رنج غربت و سردگردانی را پذیرفته‌اند و محسوس‌تر از دیگران با مطالب این جنگ رودر رو بوده‌و اما ده فعالیت علیه آن‌ها می‌باشد. بخش بزرگ دیگر نیز چه بلحاظ سیاسی و چه بلحاظ ارتباطات نزدیک با خویشا نو و بستگان خود که در آتش جنگ می‌سوزند، حاضریه مقابله جدی علیه آن هستند. بطور خلاصه اکثریت توده مهاجرین بطور مستقیم و غیر مستقیم درگیر مشکلات و رنج‌های این جنگ خانمانسوز هستند و برای شرکت فعال در جنبش صلح‌آموزی‌ها در

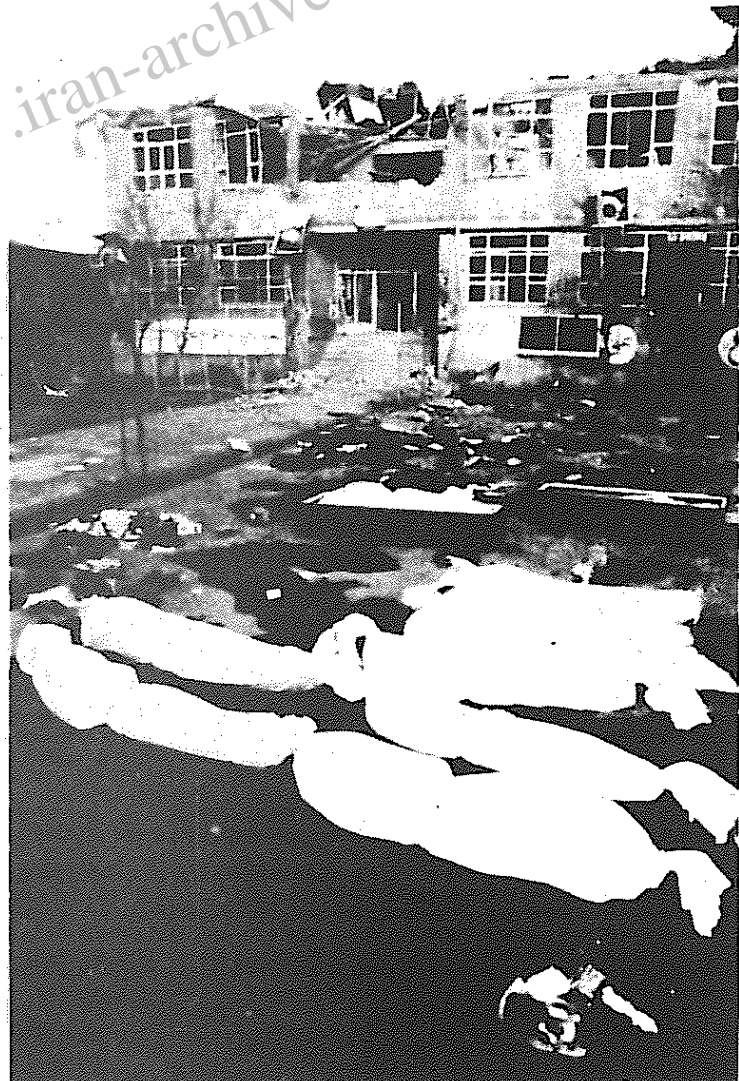
این توده‌ها را اینچنان توانوظرفیتی است که می‌تواند و لابل طور موثر بر روند تحمیل صلح به رژیم فقها موثر باشد و در صورت فرا روئی به یک

جنبش سراسری بعنوان پشتیبان و مبلغ جنبش صلح در داخل کشور عمل نماید و امکانات فراوانی جهت سازمان‌دهی این جنبش در داخل را مهیا کند. موارد استثنائی از این فعالیت‌های ضد جنگ که با استقبال عمومی روبرو شده است (نظیر تظاهرات فرا تکفورت - آلمان غربی) این ظرفیت را بخوبی عیان ساخته است. آنچه ما در این میان گره اصلی است، برطرف کردن انحرافات و مشکلات سازمان دهی توده‌ها و ضد جنگ است که عموماً دچار همسان‌انحرافات است که فعالیت دموکراتیک خسارچ از کشور با آن روبروست. طی این هفت سال، جنبش ضد جنگ، در خارج از کشور بصورت عمومی و فراگیر سازمان‌دهی نشده است و این علیرغم همه ظرفیت‌ها و توان بالقوه‌ای است که ذکر آن رفت. گره اصلی در سازمان‌دهی این فعالیت توده‌ای همچون فعالیت‌های دموکراتیک دیگر، دفاع از منافع حقیر و تنگ نظران‌ه گروهي است. موارد متعددی از

اتحاد عملها و همکاریه‌ای ضد جنگ در گذشته می‌توانستند سنگ پایه یک جنبش پایدار در این زمینه گردند، اما همه آنها بخاطر درگیریه‌ها و بحث‌های بی‌پایان حول شعارها و درخواستها نی که هر یک بی‌انگیزه اصول ایدئولوژیک و فرقه‌ای این بی‌آن گروه بوده است، از تداوم و گسترش بعدی خود بی‌مانده است. سکتا ریمس بجای تفکیک مطالبات حزبی از درخواستها نی که بی‌انگیزه منافع مشترک با دیگر سازمانها می‌باشد، همه درخواستها و مطالبات را در مجموعه‌ای از "اصول و فروع ایدئولوژیک" خود و در یک پلاتفرم گنجانده و آنرا مبنای اختلاف و همکار ی بر سر شعارها و تاکتیک مشخصی قرار می‌دهند. نمونه زنده چنین برخوردی را می‌توان در تهیه فراخوانها و بیانیه‌ها مبحث جهت دعوت به آکسیون ضد جنگ در اینجا و آنجا مشاهده کرد. بر خورد سکتا ریمس با سازمانها در اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ علامه مربوط به آکسیون، جنبه‌های تحلیلی مربوط به نگرش خاص آنها در مورد جنگ آورده شود. مثلاً قبلاً اینکها این جنگ را از ابتدا ارتجاعی بوده است و یا اینکه صلح لزوماً از طریق سرنگونی حکومت اسلامی و انقلاب می‌گذرد. اینگونه قیود که بر مبنای تحلیلهای معینی طرح می‌گردند، جز موضوعاتی برای مشاجرات و بحثهای طولانی که لاجرم منجر به دور شدن از توافق بر سر یک شعار معین که بی‌انگیزه خواست طرفین است اختلاف است نخواهند بود. جنبش روشی راه هر نوع همکار ی را سد می‌کند و یا به بده بستنهای سیاسی و حتی زشتکاریهای ایدئولوژیک بر سر مواضع اصولی ختم می‌شود. چنین برخوردی نه به سازمانها نی لایه‌هایی که مخاطب قرار می‌گیرند می‌انجامد و نه به روشنگری و آگاهی طبقه‌ای که دم از زمانا نیندگی آن زده می‌شود. چنین روشی تنها به انزوای سیاسی و مشغول کردن ذهن و در هر مبحث مواضع طبقه‌ای می‌انجامد و نتیجه عملی‌اش پراکنندگی در جنبش دموکراتیک صلح خواهد بود.

نکته مهم دیگر در سازمان‌دهی جنبش جنبشی، نقش و خصوصیت ارگانها نی است که بعنوان دعوت کننده، با نی جنبش مری میشود. اگرچه ما اتحاد عمل سازمانها نیسیا، بی‌در جنبش‌ها و در صحیح موثر می‌دانیم اما در شرایط کنونی آنها نی که می‌توانند بیشترین مخاطب در این زمینه را فراخوانده و سازماندهی دهد، یک شکل آنها دموکراتیک است. برپایه کمیته‌های ضد جنگ چه بصورت مستقل و چه از طریق همکار ی آنها و دموکراتیک، می‌توانند کارآترین وسیله جهت سازمان‌دهی یک جنبش فراگیر و توانمند ضد جنگ را مهیا نماید.

با چنین درکی از نحوه شکل‌دهی جنبش ضد جنگ، که آنرا یکی از مهمترین عرصه‌های فعالیت دموکراتیک در خارج از کشور میدانیم، همه نیروها و عناصر مترقی و مبارزان را فرا می‌خوانیم تا با درک موقعیت حاسم کنونی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت مردمان، که هفت سال است در آتش این جنگ می‌سوزند، در سازمان‌دهی یک جنبش برتوان صلح علیه جنگ فقها به اتحاد عمل گسترده دست بزنیم.





اعلامیه مشترک

بمناسبت آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق!



انزوای رژیم درعرصه بین‌المللی و در منطقه در قطعنا ما خیرشورای امنیت تجلی یافته است. سیاست تحت فشار قرار دادن دولت‌های خلیج چیست؟ مقابله آنها با رژیم عراق نتیجه معکوس بی‌آورد و رژیم در منطقه نیز به درگیری مستقیم با دولت کویت و پس از حادثه مکه با عربستان سعودی کشیده شده است. فشار داخلی و جهانی برای پایان دادن به جنگ واقعیتی است که تاکنون با چنین وزنی روی سر رژیم سنگینی نکرده است. با این همه آیا می‌توان انتظار داشت که رژیم حاضر به پایان دادن به جنگ بشود؟

موجودیت رژیم جمهوری اسلامی با این جنگ گره خورده است. رژیم برای حفظ حاکمیت خود برای خلاصی از نیش و دانه‌های که پیرامون او را محاصره کرده است و در درون خویش می‌پروردیده است. ماه‌ها این جنگ نیاز دارد. سماجت رژیم در ادامه این جنگ و پراکنندگی آنست که تداوم حیات خود را در دستاورد و این جنگ را زدن به جنبش‌های ارتجاعی با ناسلامیستی در منطقه و پراکنندگی آن‌ها به بحران‌های دیگری می‌بیند. اما همین بحران آفرینی‌ها مخممه‌ای است که راه نجاتی در آن نیست. بی‌تردید رژیم با این مختصات عملاً صلی جنگ افروزی و بحران‌زایی است. مبارزه برای یک صلح عادلانه و دامن‌زدایی تنها با سرنگونی رژیم بدست خواهد آمد. ولی درست بدلیل خصوصیت جنگ طلبانه رژیم، مبارزه برای دامن‌زدایی افکار عمومی علیه سیاست‌های آن، تاکتیک موثری است برای تشدید بحران‌های رژیم و هل دادن او به سوی گورستان. افکار عمومی جهانی و فشارهای بین‌المللی عوامی هستند که رژیم علی‌رغم دهن‌کجی‌های معمولی‌اش نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌اعتنا باشد. زیرا این عوامل اهداف وسیع‌تری از جنگ طلبانه‌ها و محدود می‌کنند. بی‌شک برای این‌ها انقلابی و دمکرات و همچنین جنبش‌های دمکراتیک خارج کشور، باید در ایران استوار شود. فشار افکار عمومی جهانی بر علیه رژیم بکار گیرند. و در اتحادیه‌ها نیروهای ترقی‌خواه و صلح دوست کشورهای دیگر، دولت‌های لیستی را که مبارزه با فروش اسلحه به رژیم اسلامی می‌کنند تحت فشار قرار دهند.

مرکز جنبش

مسرح بر رژیم جمهوری اسلامی ایران
مستحکم با دامن‌زدایی همه نیروهای انقلابی

نمایندگی شورای عالی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در خارج از کشور
کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۶

آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمایانگر درماندگی رژیم و فرورفتگی و درامعاً با تلاق خوفناکی است که موجودیت او را در خود به‌نا بودی می‌برد. تاکنون هیچ‌یک از تقلاب‌ها و انقلاب‌ها برای خلاصی از این سرنوشت محتوم راه‌جانی نبرده است. نتیجه عملیات رنگارنگ و انفجاری، کربلا، نصر، جز تشدید دامن‌های بحران سیاسی منطقه، انزوای جهانی رژیم، تشدید دامن‌های اختلافات با ندها و درونی، و پراکنندگی بیشتر کشور، تلفات عظیم در جبهه‌ها، افزایش دخالت نظامی امپریالیست‌ها در منطقه و بالاخره در هم‌پیچیده شدن بیشتر کلاف کورسرنوشت رژیم حاصل دیگری در برنده شده است. شعارهای فتح نزدیک و یکسره کردن جنگ و سرنگونی دامن‌ها که همه برای تقویت روحیه سپاه و امت حزب الله، جهت پرکردن جبهه‌ها و بسیج نیروی ناسازگارده می‌شوند هیچ‌کدام فرجی برای خروج رژیم از بن‌بست جنگ حاصل نکردند. و آن نقطه مطلوبی که رهبران جمهوری اسلامی آنها دنیا نمی‌کنند هنوز در دور دست‌ها قرار دارد و این درحالیست که ذخایر رژیم همچنان روبه کاهش می‌رود و مهمترین نقطه تکیه‌ای نظامی رژیم یعنی نیروی ناسازگار روندها و تلالانی شدن جنگ همچنان سیر نزولی داشته است.

نیروی وادای طلب به سرعت کاهش یافته و خودداری مضمولین از معرفی خود به وادای بسیج گسترده شده است. بگونه‌ای که تا مین‌حد اقل نیروی مورد نیاز برای جبهه‌ها نمی‌توانند به شیوه معمولی سرپا زگیری انجام گیرد و رژیم جنگ افروز خمینی‌شیوه پلیسی برای بدانداختن مضمولین در پیش گرفته است. و توانایی‌گذارانده که طبق آن سپاه پاسداران، کمیته‌ها، ژاندارمری و شهرهای نجات می‌بند. کلیه ماکن عمومی ز قبیل هتل‌ها، مهمان‌سراها، گاراژها، سینماها، ترمینال‌های تویوس را می‌بندد، با شگاف‌های ورزشی را زیر نظر داشته تا مضمولین غایب‌ها را بینا مکن حضور در رندشنا سلسلی و دستگیر نما بند. "به موسسات غیردولتی ز قبیل کلاخ نجات، کارگاه‌ها، باشگاه‌ها، مغازه‌ها و سایر اماکنی که در حوزه استحفاظی آنان قرار دارند مرا جمع و مشمولان غایب‌ها که به کار گرفته شده‌اند دستگیر نما بند". در سال‌های ترفند‌های دیگری در تکمیل این برنامه‌های پلیسی کردن سراسر کشور تحت عنوان جبهه‌دانشگاه، با طرح دانش‌آموز-جبهه طراحی شده تا مضمولین جنگی رژیم سوخت کافی داشته باشد و در ویران‌های مردم از جنگ و کاهش نیروی انسانی باعث فلجی‌ها مملویم در جبهه‌ها نگردد. با اینحال از آن مقطع تاکنون رژیم علی‌رغم قربان‌نیا ن‌فراوان هیچ پیروزی جدی بدست نیاورده است. این درماندگی رژیم در سال جاری آشکارتر از هر وقت دیگری است.

پیام همبستگی کمیته خارج از کشور سازمان به حزب کمونیست ترکیه - اتحاد (TKPB)

بمناسبت سالروز کودتای نظامیان در ترکیه

رفقای عزیز:

مبارزه‌بران‌ها که در خود در ترکیه حمایت می‌نمایند، خلق‌های مستعبد ایران و ترکیه در راه انقلاب خود برای آزادی ورها شایسته سرمایه‌داری و امپریالیسم در کنار یکدیگر و نه به‌شانه می‌روند و پیش می‌روند. وظیفه ما است که این پیوند را هرچه عمیق‌تر ساخته و مسیر پیروزی را بگشاییم. در سالروز کودتای سپاه ترکیه ما برای مبارزه فشرده و رزم شما را تحسین می‌کنیم.

مستحکم با دامن‌زدایی همه نیروهای ایران و ترکیه!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کمیته خارج از کشور - ۱۳۶۶/۶/۲۲

گرم‌ترین دردهای انقلابی ما را بپذیرید.
یکبار دیگر در سالروز کودتای سپاه نظامی‌ها بسته‌ها امپریالیسم در ترکیه، همبستگی مبارزه‌جویانه خود را با شما اعلام می‌داریم.
این روزها طبقه کارگر قهرمان ترکیه با حرکات اعتصابی مبارزات خود، قدرت عظیم و تعیین‌کننده خود را بنمایش می‌گذارد. طبقه کارگر ایران که خود درگیر مبارزه با دیکتاتورهای سپاه و فقه‌های حافظ مناسبات سرمایه‌داری ایران است و بیشترین صدمات را در جنگ ارتجاعی فقها متحمل می‌شود، با تمام نیرو از



انقلاب نیکاراگوئه و جنبش زنان

انقلاب نیکاراگوئه یکی از مواردی است که زنان در آن نقش بسیار مهمی ایفا کردند. زنان چه در جنگ چریکی که توسط پیشاهنگان انقلابی در یک دوره کوتاه تا ۱۹۷۹ انجام گرفت و چه در رقیام‌های توده‌ای در ماه‌های آخر که منجر به سقوط سوموزا گردید، حضور مستقیم و شرکت فعال داشتند. بعد از سال ۱۹۷۹، زنان تقریباً در تمامی برنامه‌هایی که برای تحکیم دولت انقلابی و گسترش نفوذ آن طراحی شده بود، در سازمان‌های توده‌ای، در ریش برد فرم‌های اجتماعی و اقتصادی، در میلشیا و گارد انقلابی شرکت جستند.

سا زمان زنان یعنی انجمن زنان برای مقابله با مسائل ملی (AMNPRONAC) که بعداً پس از گسترش بیشتر به AMNLAG (انجمن زنان نیکاراگوئه، لوئیزا آماندا اسپینوزا) تبدیل گردید نقش مهمی چه در بسیج و سازمان‌دهی زنان در جهت دفاع از انقلاب و چه در جهت پیاده کردن طرح‌هایی برای ارتقاء موقعیت زنان در جامعه ایفا نمود.

AMNLAG برای دادن نیروی قاطع به زنان در برهه انقلاب و شرکت دادن زنان در ادراک امور کشور و همچنین پیشبرد خواسته‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بشکلی سازماندهی شده، اهداف زیر را در مقابل خود نهاد:

- ۱- دفاع از انقلاب: در جریان انقلاب، ۳۰ درصد نیروی جنگی FSLN (جنبه ساند نیستی برای دفاع از انقلاب) و از جمله تعدادی از فرماندهان آن را زنان تشکیل می‌دادند. پس از انقلاب ابزار اصلی دفاع از انقلاب ارتش مردم می‌سازد. نیستی (EPS) بود که ۴۰ درصد نیروهای آن وعد درصد از افسران آنرا زنان تشکیل می‌دادند. شش زن (در مقابل ۳۰ مرد) به درجه فرماندهی چریکی نائل آمدند. زنان همچنین در سایر ارگان‌های دفاع از امنیت کشور حضور فعال داشتند.
- ۵۰ درصد کمیته‌های دفاعی ساند نیستی (GDS) و ۸۰ درصد گارد انقلابی را زنان تشکیل می‌دادند.
- ۲- ارتقاء آگاهی سیاسی واید فولویسکو و مشارکت بیشتر: سا زمان مرکزی برای بسیج سیاسی و آموزش، FSLN بود که در سال ۱۹۸۲ زنان ۲۲ درصد کل آن و ۳۷ درصد کادر رهبری آنرا

تشکیل می‌دادند. زنان همچنین در موقعیت‌های مسئولیت‌دار گمارده شدند. معاون ریاست شورای دولت زن بود و در سه مورد بعد از ۱۹۷۹ زنان پست‌های وزارتی کسب کردند. AMNLAG با اجرای طرح‌های ویژه، مشارکت زنان در سازمان‌های توده‌ای و اتحادیه‌ها و انجمن‌های کارگری و کشاورزی را بنحویچشمگیری بالا برد. زنان که تنها ۸۴-۱۹۸۳ تقریباً از انجمن‌های کارگران کشاورزی غایب بودند در نتیجه این تلاش‌ها در اواسط ۱۹۸۴، بیش از ۴۰ درصد انجمن‌های کارگران روستایی را تشکیل می‌دادند. در جریان نهضت سوادآموزی ۱۲ درصد معلمان را زنان تشکیل می‌دادند، در جریان آن ۱۹۶۰۰۰ زن در مقابل ۲۱۰۰۰۰ مرد سواد آموختند.

زنان همچنین در فعالیتهای بهداشتی شرکت چشمگیری داشتند. ۸۰ درصد از فعالین باریکا‌های بهداشت و ۷۵ درصد آموزش-دهندگان تجربی در این زمینه زنان بودند.

۳- مبارزه با نابرابری و تبعیض علیه زنان: پس از پیروزی انقلاب، با وجود حالت موش AMNLAG یک سری اقدامات در این زمینه انجام گرفت. از آن جمله ممنوع نمودن استعمار زنان بعنوان کسالی جنسی به اشکال مختلف بود. نماینده دائم AMNLAG در هیئت اصلی قانونگذاری یعنی شورای دولت، مسئول طرح، بحث و ارائه قوانین جدید بود. پس از انقلاب پیشرفت‌های چشمگیری در کسب دستمزد برابر و مقابل کار برابر، کم کردن ساعت کار مادان، نظارت بر اجرای ۳ ماهه مرخصی زایمان با حقوق کامل و نیز ملزم ساختن مردان به مشارکت در امور خانوادگی و مراقبت از کودکان از طریق قانون انجام گرفت.

۴- ارتقاء موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان: زنان بعد از پیروزی انقلاب نقش مهم و روزافزونی در اقتصاد نیکاراگوئه ایفا کردند. در سال ۱۹۷۱ زنان تنها ۱۷ درصد جمعیت فعال اقتصادی را تشکیل می‌دادند. این تعداد تا ۱۹۸۲ تا ۴۱ درصد افزایش یافت. AMNLAG دست به اجرای طرح‌هایی در زمینه ارائه شغل و کارآموزی از طریق گورپراتیوهای تولید، بسیج برای کشت

قطعه زمینهای خانوادگی و نیز در حالت دادن زنان در اجرای تقسیم اراضی و در کشت خصوصی - کثو - براتیو و دولتی، زد.

از فعالیت‌های دیگر AMNLAG، بالابردن مشارکت زنان در تحصیلات متوسطه و عالی و تغییر الگوی اشتغال با گشودن عرصه‌های از فعالیت که زنان سنتاً از آن برکنار بودند، بود. تربیت پنج خلبان زن تا ۱۹۸۴ یکی از نمونه‌های این حرکت بود اولین خلبان زن سید آگوزالس بود که خلبان جنگی شد و در سال ۱۹۸۴ هنگام انجام وظیفه در نزدیکی جبهه جنگ کشته شد.

۵- ارتش نهادن به کارخانگی و ایجاد سرویس‌های نگهداری از کودکان: از آغاز زبید ایش AMNLAG تلاش قابل ملاحظه‌ای در بهبود و تغییر موقعیت زنان در خانه نمود. دیدگاه AMNLAG این بود که کارخانگی هم‌اشاراکی گردید و هم ارتش اجتماعی بیشتری بدان داد. علاوه بر آن مراقبت از کودکان نباید تنها به عرصه زنان باشد بلکه دولت نیز باید ایجاد امکانات وسیع در آن سهیم گردد.

هرچند دولت با مشکلات اقتصادی حاد و دیگر بود، با اینهمه تا نیمه ۱۹۸۴، ۲۲ مرکز شهری و کودکان با ظرفیت ۲۵۰۰ کودکی در مناطق شهری و ۲۱ مرکز روستایی با ۱۶۳۱ کودکی ایجاد گردید. علاوه بر آن مراکزها را روستایی برای کودکانی که کار می‌کنند و کودکان خانوادگی‌های فقیر ایجاد شد.

رفرم قانونی که با درگیری فراوانی به تصویب رسید، مشارکت مردان در امور خانوادگی و خانه را اجباری می‌کرد.

علیرغم اینکه ساند نیستی‌ها و رهایی زنان را یکی از اهداف عمده خود قرار داده بودند، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیل شده با ضد انقلاب بیون شورشی منابع مالی و انسانی را که می‌باید در این راه صرف می‌شد بشدت محدود کرد. اما بهر حال زنان نیکاراگوئه با تمامی توانی که دارند با مشکلات ناشی از این وضعیت مقابله می‌کنند. آنها می‌دانند که تنها تاد اوم انقلاب است که قادر خواهد بود رهایی کامل زنان را تحقق بخشد و بدین خاطر با تمامی توان خود در این راه می‌کوشند.

کره جنوبی: قدمهای استوار طبقه کارگر

هنوز "حل" بحران کره آنطور که مطلوب نظر سربالایم آمریکا و بورژوازی داخلی است، بسته ما نرسیده که طبقه کارگر با آغاز موج پیرومندی از اعتراضات و حرکات کارگری پایه صحنه مبارزه میگذارد. در توافقات، به جای شبه آمریکا، ژنرالهای جاکم و پوزیسون لیبرال پیش بینی می شد که باید پذیرش پاره ای عقب نشینی ها از سوی دولت نظامی میان شرکت داد لیبرالها در قدرت یعنی با حفظ مواضع اصلی قدرت سیاسی در دست سرمایه داران، از تعمیق بحران جلوگیری به عمل آمده و با انجام پاره ای اصلاحات قانونی، حکومت ترور نظامیان با صلاح دموکراتیزه شود. به یک کلام رفرمهای مورد نظر میبایست اشکال عریانی سرکوب و بی حقوقی همگامی با سرکوب "قانونی" و دخالت داد در بخشهای از پوزیسون در قدرت تسویه کند و در عین حال شرایط بقا و دراز مدت مناسبات بهره کشی سرمایه داران را فراهم کند.

اما ورود طبقه کارگر به صحنه مبارزه درست در زمانی که معماران "دموکراتیزه کردن حکومت نظامی" خود را در آستانه پیروزی می بیند آشتند و با پیروزی را امری بدست آمده تلقی می کردند، تنها دقت نبود. کره جنوبی بعنوان یکی از بهترین نمونه های توسعه اقتصاد سرمایه دارانه کشورهای زیر سلطه، در واقع مدل این توسعه می باشد و در این کشور نیز توسعه اقتصادی به بهای استثمای وحشیانه کارگران، بی حقوقی عمومی و سرکوب شدید حقوق دموکراتیک حاصل شده است.

با اصطلاح "معجزه اقتصاد" در کره جنوبی قبیل از هر چیز به بهای سرکوب و استثمای وحشیانه کارگران حاصل شده است. کارگران کره ای با دریافت دستمزدی بسیار نا اقل (معدل یک هفتم تا یک دهم دستمزد متوسط کارگران آمریکا) در ازای کار هفتگی بیست و هشت ساعت، از حق داشتن تاحدیه های مستقل (بویژه تاحدیه های مسرتی) و اعصاب محروم هستند. سرکوب حرکات کارگری، فقدان حقوق دموکراتیک و تبلیغات ارتجاعی و ضد کمونیستی تحت یک زورترین دیکتاتوریهایی نظامی می باشد. شرایط مطلوب سرمایه داران نیز بهره کشی و انباشت سریع سرمایه را فراهم نموده اند. در اینجا اشاره به نقش مافوق ارتجاعی سنتهای فئودالی و مردسالارانه نیز ضروری است. این سنتهای ارتجاعی که توسط سرمایه داران بسیاری از کشورهای خاور دور (نظیر ژاپن و کره) برای تشدید استثمای تحمیلی کارگران وسیعاً بکار گرفته می شوند از طریق گسترش روابط با اصطلاح خانوادگی بین کلسیسه "کارکنان" مؤسسات اقتصادی (یعنی از جمله سرمایه داران) سنگ بنای تشکیلهای دست نشانده، کورپورات و ارتجاعی کارگری را پی ریزی می کنند، تشکیلهایی که خوشبختانه اکنون آماج حمله است نهضت کارگری کره قرار گرفته اند. طبقه کارگر

کره اما علیرغم سرکوب شدید و علیرغم تبلیغات ضد کمونیستی و ارتجاعی، در گذشته نیز یکی از ستونهای اصلی مبارزه در این کشور بوده است. حقیقتی که مغفرت و آگاهانه توسط نشریات بورژوازی پرده پوشی شده است، اما تعداد نسبتاً زیاد زندانیان سیاسی کارگر که حدود نیمی از کل زندانیان سیاسی را شامل می شوند، گواهی این دعاست. بنا بر این بیسبب نیست که ژنرالهای جاکم برای دادن امتیاز به پوزیسون لیبرال، انجام اصلاحاتی در قانون اساسی برای انتخاب ریاست جمهوری از طریق رای گیری مستقیم، کنار گذاشتند. چون دوهوان از حزب جاکم و پذیرفتن نقش بیطرف و "فرا حزبی" از سوی وی، شتاب لیبرالها در تشکیل یک حزب واحد امتیاز دهی ها و دور هیرا اصلی پوزیسون لیبرال را جمله حذف شعار خروج نیروهای آمریکا از کره و وحدت دودره عجز به خرج میدهند.

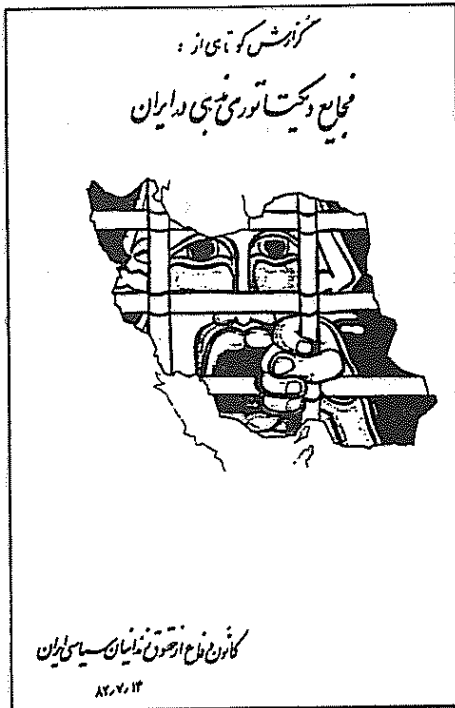
با شروع حرکات وسیع کارگری که اکنون نزدیک به سه ماه است ادامه دارد، فصل جدیدی در مبارزه طبقه کارگر رقم زده می شود. طی مدت دو ماه اول حرکات، بیش از ۱۶۰۰۰۰ اقدام کارگری صورت میگیرد. گاه تعداد حرکات همزمان به بیش از ۵۰۰۰۰۰ می رسد. صدها هزار کارگر صنایع سنگین از قبیل کشتی سازی، اتوموبیل سازی، ابزار سنگین، کارگران معدن، نساجی، صنایع الکترونیک، کارگران صنایع خدماتی، رانندگان اتوبوس و تاکسی و حتی خدمه هتلها با اقدام به اعتصاب، بی سابقه ترین قدرت نمایی طبقه کارگر را آغاز می نمایند. بخش بزرگی از حرکات کارگری از اعتصاب و اعتراضات تشابه شروع شده و به سرعت به تظاهرات خیابانی بست نشینی و اشغال دفاتر کارخانه ها ارتقاء می یابند. زود خوردن پلیس ضد شورش و حتی جنگ خیابانی محدود از سوی پاره ای کارگران، بتانسیل مبارزاتی آنها را نشان می دهد. بکارگیری اشکال بسیار متنوع حرکات اعتراضی متناسب با ظرفیت بخش های مختلف طبقه کارگر، دولت دموکراتیزه شده ژنرالها را در مقابل همبستگی میلیونی کارگران قرار می دهد. این در انداخته تا کتیک امتیازدهی و سرکوب محدود و حساب شده رو آورده اند. وزیر کار کره در جمع کارگران به آنها وعده حمایت از خواسته هایشان و تدوین قانون کار جدید متناسب با درخواستهای آنها را می دهد و حتی بوسیله میانجیگری مواز متعددی از امتیازدهی و عقب نشینی را به سرمایه داران تحمیل می کند. دولت "قانونی" و "بی طرف" ژنرالها می خواهد تا حد امکان خود را بی طرف و حتی طرفدار خواسته های کارگران نشان بدهد اما این تا کتیک عمر کوتاه می باشد و اولین پیروزیهای جنبش کارگری، آتش حرکات دیگر و خواسته های بالاتر را می فروزد. اکنون دیگر به معنای واقعی کلمه، طبقه کارگر به حرکت درآمده

است. کارگران غیرا اعتصابی با الهام از پیروزیهای کارگران دیگر به اعتصاب می پیوندند. پیوستن بخشهای عقب مانده طبقه کارگر به جنبش اعتراضی، کارگران پیشرو بویژه کارگران صنایع سنگین به ارتقاء خواسته های خود دست می زنند و خواسته های پراکنده تبدیل به خواسته های واحد و همه آنها به شعار عمومی شده و کارگران تبدیل می شوند: برجسته شدن سندیکا های دست نشانده، ایجاد سندیکا های مستقل، حق ایجاد تاحدیه های سراسری، افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار، مزایای اجتماعی و غیره... و به این ترتیب تصویر یک اعتصاب عمومی کارگری شکل می گیرد. متعاقباً افزایش دامنه حرکات کارگری و سراسری شدن آن، دولت ژنرالها دیگر نمی تواند مثل گذشته خود را بی طرف نشان دهد. با کشته شدن یک کارگر کشتی سازی بدست پلیس ضد شورش، تظاهرات بزرگداشت و به صحنه زد و خوردهای خیابانی تبدیل می شود. زد و خوردهای که طی آنها کارگران به بمب بنزینی به مقابل پلیس بر می خیزند. به متوسل شدن دولت به سرکوب صریح جنبش کارگری و "خطا" ژنرال چون به "عناصر خلالگر" ماسک بی طرفی از چهره دولت، "دموکراتیزه" شده می افتد و درست در اینجا است که صفهای اساسی جنبش کارگری کره جنوبی خود را نشان می دهد. این جنبش نمی تواند در محدوده خواسته های صنفی و ملی بسایر مهم - محصور بماند. رودر روئی با سرمایه داران در کارخانه، وقتی که توسط میلیونها کارگر اعتصابی صورت میگیرد معنائی بجز رودر روئی ناگزیر با پلیس ضد شورش را ندارد. اما رودر روئی با پلیس ضد شورش علاوه بر بمب بنزینی و تشکلهای رزمنده کارگری به برنامهای سیاسی روشن و رهبری کمونیستی نیازمند است. این ضعف بزرگ جنبش کارگری کره، این فقدان تشکل حزبی مستقل و شعارها و برنامهای سیاسی است که مانع از تبدیل شدن نهضت کارگری به آلترناتیو قدرت سیاسی می شود و خود مهمترین عاملی است که می تواند دست ژنرالها را در مها رجندیش کارگری بدست لیبرالها را در نفوذ در آنها زبکند. لیبرالها می گویند که تا همین اواخر خود را به عنوان رهبران "پیگیر" خواسته های دموکراتیک جا می دهند، اکنون طرح خواسته های صنفی و دموکراتیک کارگران، آنها را به وحشت انداخته است. این وحشت لیبرالها از بازی با آتش است. آتش که می تواند به "سوختن" همه چیز منجر شود و از پیروست که آنها با سکوت در باره سرکوبی که اکنون هر روز بر علیه جنبش کارگری بکار گرفته می شود، همبستگی خاموش خود را با ژنرالها به نمایش می گذارند.

کارگران کره جنوبی دوره مهمی از حیات سیاسی خود را آغاز نموده اند. دستاوردهای مبارزاتی آنها، علیرغم کاستیهای مهم آن چشمگیر بوده اما راهی که باید پیموده شود نیز دشوار و طولانی است و بی شک در این مسیر پر تلاطم، مبارزات اخیر کارگران در آمریکا نمونه آنان به منافع و به قدرت خود و زحمه مهمتر به ضرورت نبرد آنها، نقش بسزایی دارد.

معرفی کانونها و تشکل های دموکراتیک

۱- بیست و دوم تیرماه به برابری ۱۴/۷/۱۹۸۷ " کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران " در هامبورگ مراسمی را با نام " شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران " برگزار کرد . این کانون که به تازگی به همت تعدادی از ایرانیان مهاجر و متوقی تأسیس شده ، با این مراسم آغاز فعالیت خود را رسماً اعلام نمود . در این مراسم تعدادی از هنرمندان ایرانی ، آلمانی ، شیلیایی و ترک با اجرای نمایشنامه ، ترانه ها و سرود های انقلابی و مورد شور و شوق ویژه ای بوجود آوردند . این " شب " مورد استقبال شرکت کنندگان که در حدود ۲۰۰ نفر بودند ، قرار گرفت . " کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران " - هامبورگ اخیراً گزارش کوتاهی را در فایده یکتا توری مذهبی در ایران منتشر کرده و در تاریخ ۲۳/۷/۱۹۸۷ نیز به مناسبت سفر ولایتی جنایتکار روزبرو مورخارجه رژیم اسلامی به آلمان ، نامه سرگشاده ای خطاب به مجلس اصلاحی آلمان انتشار داد . کانون در این نامه پس از افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم اسلامی ، شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی در ایران ، ضمن محکوم کردن هرگونه مصالحه و معامله ای که موجب تقویت رژیم ایران در ادامه جنگ ، تدوین کشتار و سرکوب مردم ایران و منطقه شود ، از تمامی نیروهای ترقی و آزاد بخواند آلمان " خواسته " که با توجه به عواقب خطرناک چنین مصالحاتی برای منافع دوازده ملت در وراندیش آلمان ، دولت متبوع خویش را به مسئولیت حمایت از رژیم ایران متوجه سازند . آدرس کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران - هامبورگ : PK 101793 c 2000 Hamburg 70



۳- آلمان - " کانون حمایت کارگران " Arbeiterwohlfahrt که یک نهاد آلمانی است و مرکز آن در برلین قرار دارد ، در ارتباط با پناهندگان نیز اقدامات مفیدی انجام می دهد . از جمله اخیراً کتابچه ای را با نام " اطلاعات لازم برای تقاضا کنندگان پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال و برلین غربی " بزبان فارسی منتشر نمود که حاوی مطالب مهم و ضروری است . این کتابچه مجانی بوده و آنرا می توان از شعبه های همین کانون در شهرهای مختلف آلمان بدست آورد .

Arbeiterwohlfahrt
Bundesverband e.V., Bonn

اطلاعات لازم برای تقاضا کنندگان پناهنده سیاسی در آلمان فدرال و برلین غربی

Hinweise zum Asylverfahren

PERSISCH

این جزوه مجانی می باشد
Diese Broschüre ist kostenlos

۴- جمعیت کمک به پناهندگان ایرانی مقیم آلمان فدرال " که به تازگی توسط پناهندگان ایرانی مقیم کورباخ (KORBACH) آلمان فدرال با هدف " کمک و همیاری بخاطر رفع مشکلات یکسان و یک نوع پناهندگان در حال و آینده " تشکیل شده است ، طی نامه ای به تاریخ ۲۵/۷/۱۹۸۷ به هیئت تحریریه نشریه راه کارگردخواست کرده است که اخبار و گزارشاتی را که مستقیماً در رابطه با مسائل پناهندگان می باشد در اختیارشان قرار داد شود .

از آنجائیکه نشریه " پیام کارگر " ارگان کمیته خارج از کشور سازمان وظیفه خاص یاری رساندن به تشکلهای دموکراتیک پناهندگان را برعهده دارد این نامه در اختیار پیام کارگر قرار گرفته است . مایک نسخه زهرشماره پیام کارگر برای شما خواهیم فرستاد ، همانطور که به سایر تشکلهای دموکراتیک پناهندگان ایرانی می فرستیم . متقابلاً شما نیز خبرنامه ها و اطلاعاتی خودتان را برای پیام کارگر بفرستید . آدرس " جمعیت کمک به پناهندگان ایرانی مقیم آلمان فدرال " : Postfach 150 b 3540 Korbach B.R.D

۴- گروهی از دانشگایان سابق ایران " خیرا نشریه ای بنام " کاوشگر " منتشر کرده اند . " کاوشگر " که هر سه ماه یکبار منتشر خواهد شد ، در مطلب کوتاهی تحت عنوان " آغاز سخن ، اهداف خود را چنین توضیح داده است : " انتشار فصلنامه کاوشگر آغاز تلاشی است در راستای بررسی موشکافانه از جنبش دموکراتیک میهنمان در سالهای اخیر ، بسا تا کیدی مشخص بر مبارزات دانشگایان و جایگاه خاص دانشگایان در این جنبش ، و این خود به این بیان که با این مقوله آشنائی و الفتی افزونتر داشته ایم آدرس " کاوشگر " : KAAVOSHGAR I.U. P.O. BOX 3016 NEW YORK , NY U.S.A 10027

شماره ۱
بهار ۱۳۶۶
کاوشگر
نشریه گروهی از دانشگایان سابق ایران

در این شماره می خوانید :

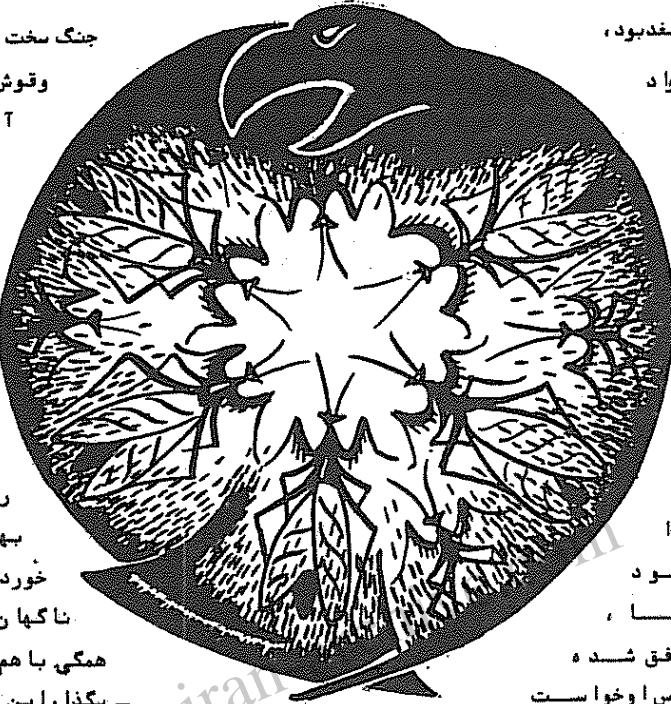
صفحه	موضوع
۲	آغاز سخن
۳	نامه سرگشاده جمعی از دانشگایان سابق ایران به جامعه روشنفکری خارج از کشور
۱۳	مردمی، مبارزان دانشگایان ایران
۲۲	یلدای خونین دانشگاه
۲۷	تاریخچه مبارزات دانشگایان ایران
۵۳	نقش شوراهای آموزشی در دانشگاهها بعد از نیم بهمن
۶۵	آموزش سنتی در ایران
۸۶	کرونولوژی

۵- انجمن پناهندگان سیاسی - اشتوتگارت که سابقاً نشریه ای تحت نام " پناهنده " منتشر می کرد ، از شماره پنجم آن اسم نشریه را به " گاهنا مهاجم " پناهندگان سیاسی ایران " تغییر داده است . شماره پنجم نشریه انجمن که تا ریخ تیرماه ۶۶ را در دحاوی مطالب زیباست : سرمقاله : انجمن یکساله شد ، نوشته ای از بیشت ، اخبار پناهندگان ، شعرا ، مروز ، اخبار ایران ، گزارش از وضعیت پناهندگان ، بایرن ، داستان در خانه ، ویرانم ، گزارش فعالیت های هنری انجمن ... بقیه در صفحه ۱۵

ان گل سفید بزرگ رز

از نویسنده مبارز کوبائی Joel Franz Rosell

جنگ سخت و طولانی شد چرا که جیرجیرکها زیبا دبودند
قوش را در کنار خود داشتند و شبپره های
آتشین بسیار شجاع بودند و حق را در کنار
خویش داشتند ، آنها را ضربه زدند بسرای
گل رز سفید بزرگ تا آخرین سال و
آخرین اشعه سبز بدن خود بچنگند اما
شبپره های آتشین مجبور بودند
تقسیم شوند تا با همگی همسایه های
خویش بچنگند و همزمان از گل رز
خویش نگاهبانی کنند ، جیرجیرکها به
سرزمین آنها می کشیدند که چشم نشان میدرخشد
را پیدا کردند و قوش از ضعف چنگها بیش را
بهم میساختید ، بزودی آنها شکست خواهند
خورد ، بزودی گل رز آنها مال من خواهد شد !
ناگهان سنجاقکها ، مورچه ها ، کرمها و پروانه ها



همگی با هم تصمیم گرفتند :
- بگذار این گل رز سفید بزرگ را نجات دهیم ابتدا ر
اورا به ستارگان ببریم ، به سرزمینی که هیچکس اورا نتواند
برباید ، دور از قوش و جیرجیرکها ، آنجا که تنها موجودات متحد
خواهند توانست بال گیرند ، پس آنها با بالهای خود را زمین رویتشان
زنجیری به ستاره ساختند و گل رز را به آنجا بردند و آن لحظه گل رز
برای همه نور و رایحه دلپذیر بود ، از آن روز دیگر جیرجیرک های شکست
خورده ترانه های خویش را فراموش کردند و اکنون تنها غزغزکنان در تمام
طول شب من من می کنند و به روز از جنگ قوش نوک کچ دروغگویی گریزند که
تنها خود را با خوردن آنها سیر می کند ، اما دیگر کسی فریبش را نمی خورد ،
امروز نوگل های روئیده در همه جا گسترده است ، شبم بذرا ترا با خود آورد
و آن موجودات کوچک که "رفیق" گشتند به کا شتنش همت گما کردند ، اما قوش
جرات آسیب رساندن به آنها ندارد ، حتی جرات بیرون آمدن در شب را
ندارد ، چرا که او از شبپره های آتشین وحشت دارد ، نگاهبانی با بدنهای
سیاه که ما را ملکه دارند همچو قلب درخشان بر بالها و در وجودشان و از
بسیار بسیار دور در شب بر زمین نور می پاشند .

برگردان از بهرام مزدک نیسان

کسی که این قصه را برای من تعریف کرد جغد بود ،

آن موقع او نه عینک داشت و نه خیلی باسواد
بود ، چرا که او قبلا درس زیادی نخوانده
بود ، اما در حافظه خویش بخوبی تاریخ
گیاهان و حیوانات را حفظ کرده بود ،
او ابتدا برای من این چنین شروع
کرد ، در زمان های گذشته " قوش"
نوکش راست و برای راستگوشی ساخته
شده بود ، اما از میان آن دروغهای
بیشماری بیرون می آمد ، نه برای آنکه
قوش همچو طوطی خوش می آمدتنها چیزی
بگوید ، بلکه او می خواست به همه چیز صدمه
بزند و تمام کاسبرگ های گل های رز را
بخورد ، و از آنجا شیکه توانسته بود
سنجاقکها ، مورچه ها ، کرمها ، زنبورها ،
حلزونها و پروانه ها را فریب بدهد ، موفق شده

بود تمام گل های رز آنها را بخورد ، سپس او خواست

گل رز بزرگ سفید شبپره های آتشین را بخورد ، اما نوکش

دیگر شروع به کج شدن کرد و شبپره های آتشین این موجودات

سرا فراز با بدنهای و بالهای سیاه گول قوش را نخوردند ، نه ، آقای قوش ،

گل رز ما بزرگ است ، آزاد است ، شیرین است ، در روز عطرها خوشبویی پراکند

و در شب می درخشد ، او شمع وجود او و ملکه و قلب سرزمین شبپره های آتشین

این موجودات با بدنهای درخشان است .

قوش خشمگین شد و سراغ جیرجیرکها که همسایه شبپره های

آتشین بودند رفت و به آنها گفت ، آن شبپره ها به شما می خندند آنها می گویند

جیرجیرکها به تصنع می خوانند و مرتب غم می زنند و آنقدر رکنند و خرفت اند

که گل رز شان ریخته شده است .

قوش تمام می این دروغها را با دهانی گفت که تصور می رفت تنها

حقیقت را می گوید ، او به جیرجیرکها گفت که شبپره ها می گویند شما تنبل و

کم کارید و آن خط که مرز ما را در بنا درستی کشیده شده بطوریکه گل رز

شما اکنون در سرزمین شبپره های آتشین قرار دارد .

جیرجیرکها تمام می دروغهای قوش را با و کردند و به همسایه های

پاک و درست خویش اعلام جنگ کردند .

با پیام کارگر همکاری کنید و برای آن بنویسید!

کمونیستی و تبلیغ دستاورد های آن ، دفاع از
جنبش صلح ، پشتیبانی از جنبش جوانان و ...
به گزارشات ، مقالات ، اسناد ، نقدها ، آثار
هنری (شعر ، عکس ، طرح و ...) نیاز دارد .
صفحات پیام کارگر رهبریک از این زمینهها
نوشته ها و آثارتان باز است .

اساسی خود یعنی افشای ماهیت و عملکرد های
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، طرح مطالبات
و مشکلات ایرانیان مهاجر و کمک به سازماندهی
جنبش آنها ، پشتیبانی از اتحاد عملهای انقلابی
و دموکراتیک نیروهای ترقیخواه ، تبلیغ و معرفی
هنر پیشرو ، دفاع از جنبش جهانی کارگری و

رفقا و دوستان مبارز!
"پیام کارگر" برای پیشبرد بهتر وظایف خود به
همکاری و کمک شما نیازمند است ، واضح است که
محتوای نشریه ما و طبعاً شکل عرضه آن نیز به یک
رابطه زنده و متقابل میان ما و شما نتیجه مطلوب نیاز
نخواهد آورد ، "پیام کارگر" در چهار چوب وظایف

گزارشی از موقعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان

بعد از حمله‌ی مزدوران جمهوری اسلامی به آنان

مطلبی که در زیر می‌خوانید، گزارشی کوتاه‌هی است از آخرین تغییر و تحولات سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی، دولت پاکستان و نمایندگان سازمان ملل متحد در قبال پناهندگان ایرانی.

سیاست‌ها و اهداف رژیم جمهوری اسلامی در مورد پناهندگان رژیم اسلامی ایران برای مقابله با پناهندگان و پوزیسون مترقی از مدت‌ها قبل سیاست تشدید کنترل بر روی نوار مرزی از یک طرف و سازماندهی اقداماتی علیه نیروهای مخالف ایرانی در پاکستان را از طرف دیگر در پیش گرفته است. کنترل مرزها توسط عناصر جاسوس، نقل و انتقال بی‌سج عشا نیز از جنوب به شمال، گردآوری اطلاعات و اخبار از فعالیت نیروهای مخالف، روند تکامل کمی خود را طی نموده و در مسیر حرکت خود، هم‌اکنون به یک نقطه کیفی در اقدامات جنایتکارانه رژیم علییه پناهندگان تحول یافته است. رژیم جمهوری اسلامی برای رسیدن به این هدف‌ها از ابزار و مکانسات مناسبی که در اختیارش بود سود جست است. بطور ویژه می‌توان از جریانات و گروههای ارتجاعی و ضد-انقلابی افغانی و همچنین شیعیان و اسپگسرای پاکستان خصوصاً جریان موسوم به "سازمان دانشجویان امامی" نام برد. از آنجا که وضعیت عینی سیاسی موجود در پاکستان بلحاظ رژیم اسلامی از حساسیت برخوردار است، انرژی و سرمایه‌گذاری رژیم در این منطقه نیز بعداً قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. چرا که امروزه پاکستان بعنوان یکی از مکان‌های تجدید آرایش نیروهای سیاسی ایرانی، محلی برای ورود و خروج این نیروها و پناهندگان و کانونی برای افشاکاری علیه رژیم از یک طرف و وجود تحرک و جنبش در شیعیان پاکستان بعنوان یکی از اهداف صدور انقلاب اسلامی از طرف دیگر، در معادلات رژیم اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در مقابل به توجه به این وضعیت است که مشکینی مرتب به نیروهای مذهبی ارتجاعی در پاکستان رهنمود ما در می‌کند.

رژیم بدنبال گردآوری اطلاعات و سازماندهی نیروهایش ابتدا در ۲۶ آوریل به تحصن پناهندگان در مقابل نمایندگان سازمان ملل (UN, I) توسط مزدورانش حمله کرد. این اقدام قدرت بسیج و سازماندهی جنایتکارانه رژیم را بخوبی نشان داد. پس از این حرکت نمونه‌های دیگری از جمله اسبیدن پاشیدن بر روی پناهندگان و وزیر گرفتن دوتن از

آنان بوسیله ماشین نیز دیده شد. در میرا پناهندگان اقدامات حمله مسلحانه دقیقاً سازماندهی شده است. به تعدادی از خانه‌های پناهندگان در کوئته و کراچی که متوجه گشته و مجروح شدن تعداد زیادی از پناهندگان نگردد، نشان از ارتقاء روشهای جنایت پیشگی رژیم برای مقابله با پناهندگان و نیروهای سیاسی داشت. اقدامات رژیم جمهوری اسلامی علیه پناهندگان و نیروهای سیاسی پس از یک دوره کار تدارکاتی و شناسایی اساساً دو هدف زیر را دنبال می‌کند: الف- محدود، (یا حتی) نابود ساختن گروههای سیاسی مخالف. ب- عقب راندن پناهندگان و ایجاد در عرب و وحشت در میان آنان.

اگر در رابطه با محور اول رژیم موفقیت چندانی بدست نیامده است، اما در رابطه با ایجاد ناآرامی و فضای وحشت، می‌توان گفت رژیم تا حدودی موفق شده است. گوا اینکه در رابطه با محدود نمودن نیروها نیز پس از کشف سلاح نزد مجاهدین توسط پلیس پاکستان، در دروردیدنا هدف افزایش فشار بر ایرانی فعالیت گروههای سیاسی خواهیم بود. البته باید اضافه کرد که رژیم در پاکستان در مقابل عراق و ترکیه برای سازماندهی اقدامات سرکوبگرانه اش از وضعیت مناسبتری برخوردار است. چنانکه دیدیم، تا بحال سازماندهی حمله‌های مسلحانه‌ای با این ابعاد علیه مخالفین خودی در یک کشور دیگر برای جلوگیری و مانع از گسترش فعالیت آنها بیسابقه بوده است.

برخورد های رژیم پاکستان:
با توجه به اینکه رژیم پاکستان و ایران دارای یکسری منافع مشترک و تضادهای معینی هستند، موضعگیری دولت پاکستان با زتاب عینی این رابطه است. رژیم پاکستان از یک طرف با شیخ نشینها و عراق رابطه حسنه دارد، از طرف دیگر در سرکوب بلوچها و یکسری قراردادهای اقتصادی دارای منافع مشترک با جمهوری اسلامی است، از سوئی با شیعیان پاکستان تضادهای معینی دارد و از قدرت گیری آنها در وحشت است و از سوی دیگر از نا شیر مبارزات نیروهای سیاسی ایرانی بر روی نیروهای پاکستان در هراس می‌باشد. این مجموعه مشنا قض با عت میگردد رژیم پاکستان اعلام کند که اگر ثابت شود دست ایران در حمله‌های مسلحانه در کار ر بوده علیه آن اقدام خواهد کرد. در حالیکه خود را مقید می‌داند مرتب از حسن رابطه‌ی برادری با ایران سخن بگوید. وزارت

خارج پاکستان و سایر مقامات دولتی نیز مظهر می‌کنند که پناهندگان را به ایران مسترد نخواهند کرد. در عین حال اجازه فعالیت سیاسی نیز به آنان نخواهند داد. (خبر اسکان دادن پناهندگان ایرانی در اردوگاهها که در همین شماره نشریه درج شده است، در این مورد شایان توجه است.)

برخورد نمایندگان سازمان ملل (UN):
UN در رابطه با حمله مسلحانه رژیم اسلامی ایران بر خوردی غیر مسئولانه و "سکوت" معنی دار نمود. این اقدام جنایتکارانه را محکوم نکرد و در عوض از مذاکره با نمایندگان پناهندگان سر باز زده، تشکل آنان را تحریم کرده و بر رسمیت شناختن به بازرسی خانه‌های پناهندگان از جانب پلیس اعتراض نکرد و در مقابل افزایش محدودیتها علیه پناهندگان از جانب پلیس پاکستان، از آنان خواسته است که در خانه‌های خود ماند و بیرون نیایند!

بدینیه است که در چنین شرایطی گرمقا و مست موشری از طرف پناهندگان سازماندهی نگردد و راههای متنوعی برای فشار و نقشه‌ها رژیم جمهوری اسلامی در پیش گرفته نشود، احتمال میرود که حمله‌ها و تعرضات دیگری از طرف اوباشان جمهوری اسلامی علیه پناهندگان صورت گیرد. توضیح این نکته بویژه ضرورت دارد که حملات رژیم نه متوجه یک گروه خاص است و نه اینکه متوقف خواهد گردید. سیاست رژیم عامل فشار و اتخاذ تاکتیک‌های تروریستی برای متوقف کردن فعالیت نیروهای پوزیسون و عموم پناهندگان است. بنا بر این لازم است که با توجه به مجموعه اوضاع و احوال کنونی تاکتیک‌های مناسب اتخاذ گردد. و از هرگونه حرکت شتابزده و تند که قرار است از طرفیت مبارزاتی پناهندگان است اجتناب گردد.

تلاش برای جلب همکاران می‌نیروهای مترقی پاکستانی و درج مقالات افشاکار در مطبوعات پاکستان میتواند مهای موشری برای مقابله با سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی باشد. از طرف دیگر سازماندهی سیاسی و کارنوشهای پناهندگان و تشکل‌های دموکراتیک در اروپا و آمریکا و طیف‌ها و رندگه‌ها همکاران خود بهره‌گیرند تا افکار عمومی ترقیخواه را علیه توطئه‌ها شکی از طرف رژیم جمهوری اسلامی و رژیم پاکستان متوجه پناهندگان ایرانی در پاکستان است، جلب کنند. ما بنوبدی خود آماده هر نوع همکاری در این زمینه هستیم!

پاکستان - کراچی :

اسکان پناهندگان ایرانی در اردوگاهها

شود که ، شواهد متعددی از همکاری های پلیسی پاکستان با پاسداران رژیم اسلامی با زکدا شدن دست آنان در اجرای توطئه های جنايتکارانه اخير- شان وجود دارد ، حمله ي پاسداران و مزدوران رژيم اسلامی يوان ، با انواع سلاح های گرم مثل مسلسل نارنجک ، آرمي جی و ... به تعداد زيادی خانه دريک زمان در دوشهر مهم پاکستان ، که خود حکايت اخيلي چيزها دارد ، از يک طرف و ابعا ديها بقیه جنايت - کار رژيم اسلامی در قتل معانی "قارنا" ، "قلاتن" و غيره از طرف ديگر ، سياست اسکان پناهنده بی شماری پناهندگان ايران نيز در اردوگاهها به يک امر خطرناک و حساسيت برانگيز تبديل می شود . محافل بشردوستانه ، سازمانهای مترقی بویژه پناهندگان روسا ز : نهایی می سازی ایران نیا بدیسه سادگی زکنا رآن بگذرند .

اخبار رسیده از کراچی حاکی است که دولت ارتجاعی پاکستان برای تکمیل کردن بندوبست های جنايتکارانه خود با رژیم اسلامی ایران ، قصد دارند پناهندگان ايران نيز در اردوگاهها اسکان دهد . اين اقدام دولت پاکستان که بعد از حملات مسلحانه تروريست ها و مزدوران رژيم اسلامی به پناهندگان ايرانی و کشته شدن تعدادی از آنها صورت می گیرد ، ظاهرا برای اجمايت پناهندگان صورت می گیرد . اما در واقعیت امر این چيزی جز به اجراء آمدن سياستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی برای محدود کردن تحرک و فعاليت مخالفين سياسی ، زندانی و بزه کردن پناهندگان نوجمع - آوری آنها بعنوان طعمه تروريستها نمی باشد . يکجا ، بدست دولت ارتجاعی پاکستان ، نیست . اين سياست بویژه زمانی حساسيت برانگيز می-

دعوت به تظاهرات عليه جنگ ايران و عراق

آلمان فدرال - گوتینگن : "کانون مستقل پناهندگان سياسی - گوتینگن" با ارسال نامه ای به گانونها و تشکلهای دمکراتیک پناهندگان ، کمیته های دفاع از زندانیان و کلیه سازمانهای سياسی مترقی ايرانی و آلمانی ، دعوت کرده است ، تا با همکاری همدیگر تظاهراتی را عليه جنگ نکند . با ربين دولتهاي ارتجاعی ايران و عراق برگزار نمایند . کانون گوتینگن در نامه خود خواسته است که با تاکيد بر جنبه های عمومی و صرف نظر کردن از جزئیات غیر ضروری و غیر عمده ، تلاش شود که در زمان کوتاه از احداث کثرتوان و انرژی برای برگسزاري تظاهرات استفا ده گردد ، آنها همچنین شهرين را به دليل تمرکز سائها ي جمعی ، محل برگزاری تظاهرات انتخاب کرده و همراه نامه خود متن پیشنهادی برای تظاهرات را ضمیمه نموده اند و از کلیه کانونها و سازمانها خواسته اند که تا یک هفته آما دگی خود را از طریق نامه به آدرس : POSTFACH 3506 D - 3400 Göttingen و یا با تلفن ۳۳۲۰۲۸ - ۵۵۱ (مجید) اطلاع دهند . تاریخ پیشنهادی برای برگزاری تظاهرات روز شنبه ۱۹۸۷/۹/۲۶ ساعت ۱۱ صبح است .

قتل کیومرث جوادی را محکوم می کنیم!

اینکار را بنا بر روح جامعه ای انجام دادند که در آن مالکیت بالاترین ارزشهاست . برای حفظ این مالکیت کارمندان بانک حتی جان خود را در مقابل دزدان مسلح بی خطر می اندازند . آنها بجا طریقی خراش کوچک بر روی ماشینشان به جان یکدیگر می افتند و پدران شجاع خانواده پولیس ها با هفت تیر با دزدان جوان مقابل می کنند . تلوراين تفکر مالکیت هرروزه در فرونگاها و سوپرمارکتها دیده می شود .

واقع در دناک و دلخراش کشته شدن جوان پناهنده ايرانی بدست عده ای زکارکنان فرونگاه موادغذائی در آلمان موجی از برا زنفرت و انزجار در میان ايرانیان و نييروهای بشر - دوست آلمانی برانگیخت . منکمل می توان مرگ جوادی را نتیجه تخاصم شخصی کارمند فرونگاه دانست و بسا دگی زروی احساس ضد رچی که هر روز توسط احزاب دست راستی در میان جوانان و مردم اروپائی دامنه زده می شود گذشت ، هما نظور که سه اعلامیه رفقای ما در فرا نکفورت بیا نمی کنند ، اگر چه فاشیسم و نژادپرستی در هیئت "دولت نسا زی" سالهاست که مدفون شده و همین چند روز پیش آخرین با زمانده این توحش ننگین مدرن "هن" به زیر خاک رفت ، اما در بیست و تریجران های مزمین نظام سرمایه داری جهان که ذاتی آنست و با گسترش و تعمیق آن ، هرروز به صور جدید تر و مدرن تر امثال ریگان ها ، اشتراوس ها و بعنوان محافل حاکمه بعضی کشورهای امپریالیستی با ز تولید گشته و قریباً نیا جدیدی از بشریت تحت ستم می گیرد . این احساس و دژ که عمومی نیروه های دموکرات ایرانی و خارجی از این واقعه تکان دهنده است .

یک پناهنده غنائی خودکشی کرد!

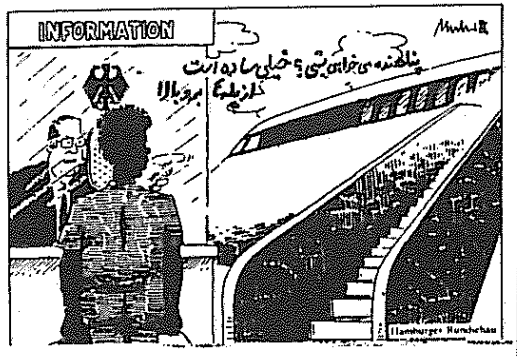
آلمان فدرال - زاربروکن یک پناهنده هل کشور غنا ساکن زاربروکن در مراجعه به سوسیال (اداره موراجتماعی) محل اقامت برای دریافت پول ، با مسئولین که از برداخت پول قبل از پایان ماه به او خودکشی کرده بودند درگیر شده و پس از خروج از دفتر در توالست سوسیال خود را حلق آویز کرد . سوسیال و پلیس سعی کردند خبر خودکشی پناهنده را مخفی نگه دارند اما جریانه حادثه توسط ساير پناهندگان علنی و افشاء شد . (نقل از خبرنامه مشماره ۵ متقاضیان پناهنده گی سياسی وستوالدکرايز)

درونگاها حتی احتیاج به تعیین جایزه برای کسانی که دزدی را دستگیر کنند نمی باشد ، چه بر اساس این تفکر ، فروشنده گان تجا و بیه مالکیت خود می دهند . ما از همه نیروه های مترقی ايرانی و خارجی دعوت می کنیم که با هوشیاری بیشتر به جریانه رشد فعالیت های ضد رچی در کشورهای اروپائی برخورد کنند . ما با بدبختانیم با متشکل شدن در تشکلهای دموکراتیک از حقوق خود در برابر کلیه فشارهای جریانه راست مقاومت کنیم ، و در برابر جنایاتی از این دست ، با قدرت با یستیم و دست به اعتراض رژیم .

به همین مناسبت از سوی کانون پناهندگان سياسی ايرانی در برلین غربی اعلامیه های متعددی انتشار یافته است ، در یکی از این اعلامیه ها ، به نقل از یک روزنامه آلمانی T A Z آمده : "اگر تمام جنايسی را که جوادی می خواسته در سید خریدش ظاهر از فرونگاه خارج کند ما سه کنیم به این نتیجه می رسیم ، که ارزش جان یک انسان نزد ما چقدر است ، فقط ۵ مارک و بیست و پنج فنیک و شایدهم ۳۸ مارک و ۵۷ فنیک بوده است . بخاطر این ، کارمند فرونگاه آنقدر گلوی جوادی را فاشا میدهد تا او بی حرکت بر روی زمین بیفتد . آنها که او را کشتند ، می خواستند وحشیگری و غیر انسانی بودن خود را نشان بدهند و او قاعا اینطور نیز هستند ، اما آنها

یک پناهنده هندی با زگردا نیده شد!

آلمان فدرال - رنه رود یک پناهنده هندی در "رنه رود" پس از ۲۲ ماه اقامت در آلمان به دستور قاضی ازاد اقامت محروم و از طریق فرودگاه فرانکفورت به هندوستان برگردانده شد . ماه قبل نیز سه پناهنده گامبیائی به همین نحو خارج و با زگردا نیده شدند . (نقل از خبرنامه مشماره ۵ متقاضیان پناهنده گی سياسی وستوالدکرايز)



هفته همبستگی با خلق شیلی



چهارم سبتا میرآغاز هفته همبستگی با خلق شیلی است. در چهارم سبتا میره ۱۹۷۳، جیبیدا اتحاد مردمی (Unidad Popular) و در راه آن سالها دور آلنده با یک انتخابات عمومی در شیلی بر سر کار آمد. این حکومت که سه سال بحران و پرفران زون نشیب را شاهد بود سرانجام دریا زدهم سبتا میر ۱۹۷۳ با کودتا خونین پینوشه سقوط کرد.

بلافاصله پس از تشکیل دولت اتحاد مردمی، تمامی اقدامات آن برای بهبود شرایط زندگی کارگران و دهقانان و سایر پرجمتکشان با اقدامات کارکنان نه بورژوازی که از حمایت کامل سرمایه جها نی برخوردار بود و بیروگردید. هر چند سرمایه داران و عمال آنها قاطعانه وی تزلزل در تمامی جنبه‌های حیات اقتصادی اخلاقی کردند، حکومت آلنده که می‌کوشید همچنان خوشبختی و رفاه به معیارهای دموکراسی بورژوازی و فادار بماند با آنها بی‌مه مدارا رفتار نمی‌کرد. اعتصاب سراسری حمل و نقل در اکتبر ۱۹۷۳ که فعالیت اقتصادی را ایستاد می‌نمود کرد از نمونه‌های عمال کارکنان نه بورژوازی در دولت آلنده بود.

سنت دیربای دموکراسی بورژوازی در شیلی و انس گیری سازمانها و احزاب چپ با فعالیت قانونی و هراس از اعمال قهر و قاطعیت انقلابی و با وره استقرار سیستم سوسیالیستی بطرق پارلمانی عوامی بود که سبب شد تا امپریالیسم جها نی بتواند به آنها نیز زمینه سقوط حکومت آلنده را فراهم آورد. در این میان خرده بورژوازی آشکارا جای نسبی

بورژوازی را گرفت و نقش عمده‌ای در سقوط حکومت آلنده ایفا کرد. وظایف آن زمان قشار میانی بر علیه رژیم آلنده صحنه‌ها بیبیدمانندنی و درس آموزتاریخ شیلی هستند.

حکومت نظامی پینوشه تنها با کشتار و باجاء رعب و وحشت توانست به مقابله با طبقه کارگر و دهقانان و زحمتکشان شیلی که از آگاهیه طبقه‌ای نسبتاً بالایی برخوردار بودند برخیزد. با ورساده‌گرای نه رژیم آلنده به دموکراسی بورژوازی و بازگذا رن دست و پا لهای میز دور ارتش بقیمت گرانسی بیای خلق شیلی تمام شد. هزاران عدا می، هزاران سر به نیست شده و دهها هزار زندانی و ۱۴ سال حکومت سیاه مرگ و شکنجه‌نماین اشتباه تاریخی بود. با بر سر کار آمدن حکومت دیکتاتوری پینوشه بحران اقتصادی روز بروز عمیق‌تر گردید. هدایت اقتصادی در راستای منافع سرمایه جها نی و شخصیت‌های ۲۵ درصدی در صده کشور به تسلیحات و مخارچ سرویس‌های امنیتی، روز بروز اقتصاد کشور را به ویرانی کشانده است. شیلی یکی از مقروض ترین کشورهای جهان است. بحسبان اقتصاد، بیکاری، فقر و محرومیت در زیر چکمه‌های خونین دژیمی سرکوبگر بحران سیاسی را بیش از پیش دامن زده است. نارضایتی عمومی، ترمیم و بازسازی اتحادیه‌ها و سازمانها و احزاب چپ و مترقی، هر چند هنوز تعداد قوارا بنفع نیروهای انقلابی برهمنزده، باعث تغییرات اساسی در عرصه سیاست شیلی گردیده است. این امر امپریالیسم جها نی و نیویز بورژوازی را خلی را به تکیا بر واداشته تا برای جلوگیری از تکرار یک نیکاراکوئه دیگر به چاره

اندیشی برخیزند. این تنها محرک امپریالیست‌ها در انتقاد به حکومت پینوشه و تکیا بر ویرانی است. یک آلترنا تیف " دولت آشتی ملی " مانند آرتا نتین و فیلیپین است. سفیر با به شیلی در ماه آوریل به منظور با فتن چینی را حل می‌تواند انجام گرفت.

اما چنین راه حل می‌تواند شیلی را ممکن بنظر می‌رسد. یکی از موانع این موجودیک چپ نسبتاً قدرتمند و تاشیرآ ندر تشدید قطب بندی طبقه‌ای در شیلی است. نیروهای چپ شیلی هر چند نتوانسته‌اند گرا یشات لیبرالی خرده بورژوازی را خنثی کرده و تعداد قوارا بنفع نیروهای انقلابی بطور قاطعی برهم زنند، ولی کماتان مانع عمده‌ای بر سر راه اسک آلترنا تیف ائتلاف لیبرالی می‌باشند.

در چنین شرایطی امپریالیسم جها نی کماتان به حمایت خود از رژیم پینوشه ادامه می‌دهد و ایستادگی است که پینوشه با تغییراتی که در قانون اساسی داده، خیا لدارد حد اقل تا سال ۱۹۹۷ همچنان خون بریزد.

طبقه کارگر شیلی ما با درس آموزی بزرگ از دوره حکومت آلنده که همانا توجه کیده کسب قدرت سیاسی و خلق بدکارا زضا انقلاب بورژوازی است مبارزه بزرگ خود را سازمان می‌دهد. ما به همراه طبقه کارگر ایران و همه مردم ترقیخواه و دموکرات جهان در هفته همبستگی با خلق شیلی در کنار آنان قسار گرفته و از مبارزه آنان پشتیبانی می‌نماییم.

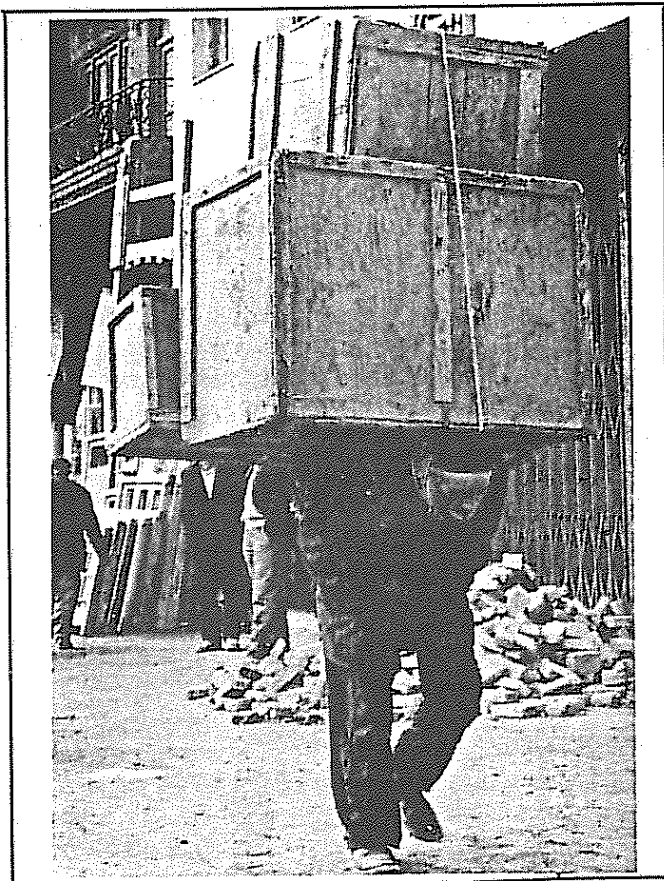
نامه‌ای از ایران

زمینه فراهم نیست بروفلان روزبیا . مهدی می آید که جلویشان آقا و اکبر آقا و مک فارلین ایستاده اند و باهم شعاری دهند مهدی آمریکایی اسد ام باید گردد و . . . تلفن را خیلی کنترل می کنند گویا به قیمت کلان دستگاه‌هایی از ژاپن خریده - اند که در آن واحد میتواند از هزار شماره نیوار

بردارند . قیمت سکه در بازار به هشت هزار و سیصد تومان رسیده و آنهم سکه‌هایی که آقایان طرفدارستضعفین به کارندان دادند و ابتکار اقتصادی بی نظیرش خوانندند الان در گاو - صند و قهای کلاشهاود زده‌ها مخفی شده و اسال دیگر برای خودشان نمی صرفید که چنین کنند در نتیجه به کارندان کوپن داده اند . اکنون سیوه کیلوئی سی تومان کمترگیرت نمی آید و و برتقال و نارنگی کیلوئی شصت تومان است گوشت دویست و بیست تومان ، البته اگر بتوان گوشتی گیر آورد . از هزاره‌ای از مردم میدزند . در ۲۲ بهمن به تمام دانش آموزان ساکی داد بود ند که در آن لوازم بریزید و بیاورید و ایام عیدی قلک داده بود ند که پولهایتان را در آن بریزید و بیاورید ولی با این همه همین بچه های کلاس اول هم خوب می فهمند و از بهده همین آقایان برمی آیند . درمد رسه‌ای به دانش آموزان فرمی دادند که برای اسفالت قسمت شرقی حیاط مدرسه احتیاج به پول است که از خا - نواده ها کمک بگیرند بعد ها معلوم شد که این فرم در تمام مدارس منطقه بین دانش آموزان پخش شده است یعنی در این منطقه آموزش و پرورش تمام مدارس قسمت شرقی حیاتشان احتیاج به اسفالت داشته است . . .

این احوال سرتاسر تهران را کند هاند به بهانه سنگساری جهت جلوگیری از ضربات بمباران هوایی ولی احمقترین آدم‌های میهنی فهمند که قضیه چیست . تمام چهارراه های تهران را گونی چید هاند جهت سنگرولی همه مردم می - دانند که هدفشان چیست . آخرین گونیهای شن که نمی تواند جلوی بمباران هوایی را بگیرد و مثل سگ از مردم می ترسند . آنهاست که دست توی سفره اینها دارند همانها هم فحش شان می دهند . حربه چوک واقعا یکی از حربه های کاری ملت توی این عرصه است . فرم چوک با آن مایه های مبتذل خویش اکنون واقعا جای نیکو پستندیده ای یافته است . از نمونه هایی که اخیرا شایع شده ؛ ریگان به کنگره میرود و مکررات هائی گویند صل علی محمد یا امام خوش آمد جمهوریخواهان در جواب میگیرند ما اهل کوفه نیستیم امام تنها یمانند و خلاصه ریگان جهت حل قضایای گویند بهتر است وحدت کلمه را حفظ کنیم و همه باهم ضمن حفظ وحدت بگوئیم جنگ جنگ تارفع فتنه از جهان - نمونه ای دیگر روزنامه اعلانی زده بود ند که یکصد و بیست عدد گاو و سرائیلی - بفروش میرسد و شماره تلفن مجلس را داده اند - نمونه ای دیگر ، مهدی ظهور میکند و آقامی گویند

. . . ما هم که به اصطلاح در وطن خود هستیم در حقیقت وضعیتی بسان تمام مهاجریم - چن داشته ایم و داریم تا چه پیش آید یا به عبارتی دیگری بئیم چه میتوانیم بکنیم . نیمسال د و م سال گذشته واقعا بیشترین لطامات و صدمات را در طول مدت فترت چند ساله ، ملت ما متحمل شدند و قاچاقچیان فوج فوج آزاد می گردند و به جای آن جوانان پاک و بی آلاش دستگیر میشوند . تعداد زیادی از آنهاست که قبلا آزاد شده بودند مجدداً "خندمشان" رسید هاند و بالا اقل مجدداً یک سلام و طلیکی با آنان داشته اند . بعضی از بچه‌ها را که مدت میهمانی شان با تمام رسید به خانه نفرستاده که هیچ ، مجدداً پذیرائی کرده اند . کسانی هستند که پیش از یکسالی ملاقات نداشته اند . از خانواده شان انواع و اقسام تعهد میگیرند که به بهشت زهرا نروند ، فلانجا اجتماع نکنند . کمتر از شش سال میهمانی رفته هاند ملاقات ندارند . با تمام این احوال پایداری و امید در نهایت خویش بر جانها پرتومی افکند . از آشناها ، آنهاست که میشناسی . . . هنوز آنجاست ولی برخلاف آنچه در گذشته برای نوشتن بودم - خود را اصلاح کرده و وضعش عالی است . آخرین خیراز . . . حاکی است که همچنان اسطوره‌ای ماند هاست . اسطوره‌ها فسانه بلکه واقعیت تبیین میکند ، گفته میشد که بد یا با قسی اش فرستاد هاند ولی در حقیقت به فراموشخانه ای دیگر فرستاده بودندش . از کسی که از میهمانی آمده چنین شنید هانم که روزی سه بار ورزش میکند و برای جوانهاد رانگازوسیله شوخی شده ه بود ولی او در جواب یکی از اینها که پرسیده بود چرا اینقدر ورزش میکنی ؟ گفته بود اینها میخواهند من اینجا بیوسم و لاشه را بیاورم بیند از ند ولی من خود را حفظ میکنم تا مردم لاشه اینها را بیاورم بیند از ند و من مرگ آنها را ببینم . بعضی از بچه‌ها از آن موقع تا حال هنوز هم منفرد بسر میبرند هر چند مدت میهمانی مشخص شده ولی هر روز باید روی تخت معهود دراز بکشند . راستی کجای دنیا چنین است آنچه من می بینم واقعا مجموعه ای است از آنچه در دنیا معمول است به اضافه اب تککارات شخصی آقایان . در تاریخ ما بیسابقه است . گوش و دماغ بریدن آغا محمد خان ، شماره از سر برافراشتن تیمور . . . چنین نبود که اینانند . تمام خانواده‌ها شماره پلیس دارند . همان دفترچه بسیج هرگونه نقل و مکانی در آن درج میشود و د رپرونده مربوطه منعکس میگردد . کسی امتحان داده ه بود برای دانشگاه در جوابش نوشته بودند که از هفت منبع تحقیق شده و شما . . . هفت منبع در کوتاهترین مدت همه چیز رو میشود . با تمام



ایدز: میخ دیگری بر تابوت دموکراسی

تا امروز ۱۱۲ کشور از قاره جهان شیوع بیماری ایدز گزارش کرده اند. از این لحاظ میتوان ایدز را یک بیماری جهانی اعلام کرد. به تخمین سازمان بهداشت جهانی میان ۵ الی ۱۰ میلیون نفر هم اکنون به ویروس (ویروس: نوعی میکروب بسیار کوچک) ایدز مبتلا هستند که از این تعداد در طی ۵ سال آینده بیماری ایدز در نیم الی سه میلیون نفرشان بروز خواهد کرد. سازمان مزبور تخمین زده است که در همین پنج سال آینده همین ویروس ۵ تا ۱۰ میلیون انسان چهره پدر گرفتار خواهد کرد و از آنجا که در نبود یک درمان قاطع اکثریت این افراد طی چند سال بعد به بیماری ایدز مبتلا شده، هلاک خواهند شد ابعاد فاجعه با این ابعاد جهانی مشخص می گردد.

بیماری ایدز رذوع خود بی نظیر است. گذشته از ابعاد فاجعه با جهانی آن شیوع این بیماری تناقضات نظام سرمایه داری جهانی و گنگدیدی آن را از یک طرف و اثرات سرشکن کردن بحران سرتاسری سرمایه داری به کشورهای تحت سلطه از طرف دیگر را عریان می کند. در این مقاله بطور اجمال نحوه شیوع و ویژگی های این بیماری را شکافته و به برخی از ابعاد اجتماعی - سیاسی آن اشاره خواهیم کرد.

ایدز چیست؟ این بیماری توسط ویروسی که HIV (ویروس تضعیف ایمنی انسانی) نام گرفته ایجاد می گردد. ویروس HIV از طریق خون و سایر آلودگی های جنسی وارد بدن انسان شده و بعد تا آن سلسله های بدن را که نقش دفاع ایمنی در مقابل برخی عفونت ها و بیماری ها دارند گرفتار می کند. بدنهای این سلولهای مذکور بطور بیگانه اما مدوم و فزاینده طی چندین سال از زمین می روند. با کاهش کمی و کیفی این سلولهای دفاعی قدرت دفاع بدن در مقابل انواع عفونت ها و برخی سرطان ها کم شده و بیماری های انواع عفونت ها و سرطان های ریوی، مغزی روده و پوست در چارمی شود. چنین شرایطی را ایدز (AIDS) می گویند. در واقع ایدز مرحله نهایی ابتلا به ویروس HIV می باشد.

هنوز دقیقاً معلوم نیست که چه درصد از افرادی که به ویروس HIV مبتلا می شوند نهایتاً به مرحله ایدز وارد خواهند شد. از شواهد موجود می توان حدس زد که بیش از نیمی از مبتلایان به این ویروس نهایتاً از ایدز رنج خواهند برد.

چگونگی سرایت ویروس: این ویروس از طریق تزریق خون آلوده (مانند استفاده از سوزن های آلوده به خون بیمار مبتلا به ویروس) و ثانیا از راه آمیزش جنسی (چه زنوع همجنس با زن و چه میان زن و مرد) با فرد مبتلا به بیماری و ثانیا به جنین از طریق زنی حامله که به ویروس HIV گرفتار میباشد قابل انتقال است. بخیرا زاین سه طریق هیچ راه دیگری برای انتقال ویروس HIV وجود ندارد و مشخصاً از طریق روابط معمولی انسانی چون دست دادن در یک مکان کار کردن، با هم زندگی کردن و حتی از قاشق و لیوان همدم یگرا استفاده کردن منتقل نمیشود. در اغلب کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بیماری ایدز روحله اول در همجنس با زنها و در مرتبه بعد در معتادین به مواد مخدر مشاهده میشود.

طبق آمار منتشره در سال گذشته بیشترین گسترش بیماری ایدز میان معتادین بوده است. بطوریکه هم اکنون در آمریکا معتادین ۱۷ درصد مبتلایان به ایدز را تشکیل می دهند. در کشورهای اروپای جنوبی اکثریت مبتلایان به ایدز معتادین می باشند. این افراد معمولاً در فائینترین لایه های جامعه قرار دارند که در کشورهای امپریالیستی از سیاه پوستان و مهاجرین تشکیل شده اند. بطور مثال در شهر نیویورک که ۷۷ درصد معتادین به ویروس ایدز مبتلا هستند اغلب از سیاه پوستان و یا مهاجرین آمریکای لاتین می باشند. بیکاری بیش از نیمی از جوانان سیاه پوست در این شهر علل اجتماعی زمینه رشد بیماری ایدز را روشن می کند. در آمریکا و اروپا اکثریت زنانی که به ایدز مبتلا هستند معتادین به مواد مخدر و یا زنان معتادین می باشند که در آمریکا اغلب سیاه پوست و یا از آمریکای لاتین هستند. فشار بیماری بر زنان مضاعف است چون در دوران حاملگی نه تنها امکان سرایت ویروس ایدز به جنین وجود دارد بلکه حاملگی بیماری را در تسریع می کند.

خرج معالجه هر بیمار مبتلا به ایدز تا زمان مرگ او چهل هزار دلار محاسبه شده و تخمین زده اند که در سال ۱۹۹۱ هزینه درمان سالانه ایدز در آمریکا متجاوز از ۱ میلیارد دلار خواهد شد. واضح است که لایه های تهیدست جامعه قادر به پرداخت چنین هزینه ای نیستند و همین امروز در خیلی از بیمارستانهای دولتی بیماراران مبتلا به ایدز از جمله جزایر قیبروس وسطی در کناری به حال خود رها می کنند. جالب است که مسئله وجدان پزشکی هم در کشورهای سرمایه داری تابع پول می باشد. اغلب پزشکان بخیلانه ای هستند که در واحد های تخصصی کار می کنند از نگهداری بیماراران مبتلا به ایدز سر باز می زنند در حالیکه مشخص شده هیچ نوع خطری آنها را تهدید نمی کند.

ابعاد فاجعه با بیماری ایدز در کشورهای آفریقایی جنوب صحرا یا د آفریقا می طاعون قرون وسطی است. در برخی از کشورهای جنوب آفریقا وگانگد ۴۱ تا ۱۵ درصد بزرگسالان گرفتار این ویروس هستند و این ارقام در برخی افراد جامعه مانند فاحشه ها به ۷۰ تا ۹۰ درصد می رسد. هم اکنون در بیمارستانهای این کشورهای بیماراران مبتلا به ایدز بیشترین درصد بیماراران بستری شده را تشکیل می دهند. می بایستی توجه نمود که مبتلایان اکثر جوانان یعنی نیروی کار و بعضاً نیروی کار ماهر این کشورهای را شامل میشود.

در آفریقا برعکس کشورهای سرمایه داری صنعتی گسترش ویروس HIV بیشتر از طریق آمیزش جنسی میان زن و مرد و در رجه دم بخاطر استفاده مکرر از سوزن های تزریقی استریل نشده انجام میپذیرد. بیماری ایدز تا اوایل دهه ۱۹۷۰ در آفریقا گزارش نشده بود. علل گسترش سریع این بیماری اولاً به علت کندی شدن نیروی عظیمی از دهقانان از زمین یا ایل خود و رانده شدن آنها به حاشیه شهرها بعنوان نیروی کار ارزان، ثانیا به علت هرج و مرج ناشی از جنگ های داخلی است. مثلاً در زیمبابو وگانگد ای جنگ میان کشته بهائی چون تانزانیا و اوگاندا و

جنگ های ضد انقلابی در موزامبیک و انگولا و ثانیا با زدن راههای بازرگانی نهی از زیر و بقیه کشورهای میانه آفریقا و بناد شرقی این قاره می باشد. بدین ترتیب رشد مناسبات سرمایه داری تحت سلطه و تناقضات ناشی از آن در لیل مستقیم و بلا واسطه شیوع این بیماری و گسترش فاجعه باران می باشد.

هزینه درمان در فرانسه و نرومبتلا به ایدز (چهار میلیارد دلار) از بودجه سالانه بیمارستانهای عمده کشورهای آفریقایی بیشتر است. حتی هزینه آزمایشی یک شیشه خون برای ویروس ایدز (۲۲ دلار) افزون تر بودجه سرانه سالانه بهداشتی اغلب این کشورها است. این فشار مالی در شرایطی است که در آفریقا به بانکهای انحصاری جهانی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار است و این در حالیست که در سال ۱۹۸۶ کشورهای آفریقایی مبلغ ۱۹ میلیارد دلار بخاطر سقوط قیمت کالا های اولیه از دست دادند بدیهی است که بهای این فشار مالی را کارگران و زحمتکش این کشورها می بردند. همانهایی که اولین قربانی های این بیماری خطرناک هستند. زیر سایه شوم چنین بحران اقتصادی نه مکار آزمایش خون های تزریقی وجود دارد و نه میتسون سیستم بهداشتی را بهبود بخشید و نه سیستم اجتماعی مناسبی وجود دارد تا قادر باشد از طریق آموزش توده های جلوی گسترش این ویروس کشنده را بگیرد و نه میتوان حتی ابتدائی ترین انواع درمان را ارائه داد. وحشت از گسترش ایدز زحمتی بر نرها هلو موجود و اکسیژن سیون راهم مختل کرده است و خطر شیوع انواع بیماری های مسری دیگر هم در افشاید.

پاسخ سیستم سرمایه داری جهانی به ایدز: فاجعه آینه ایست از گنگدیدی نظام سرمایه داری انحصاری دولتی:

۱- در چند سال اول آغاز این اپیدمی، یعنی در زمانی که کنترل آن احتمالاً ساده تر بود، دولت های کشورهای سرمایه داری صنعتی کبک گونه سر در برف کرده و کوچکترین حرکت اجتماعی از خود نشان ندادند. به همین صورت دولت های مرتجع کشورهای آفریقایی مانند کنیا از ترس اینکه توریسم صد ها وارد آید تا مدت ها منکر شیوع این بیماری بودند (درست مانند رژیم شاه در مورد شیوع بیماری وید و ایران). رژیم ارتجاعی حاکم بر زیمبابو حتی امروزه که مشخص شده این کشور بیشترین تعداد مبتلایان به ایدز را در هنوز این مسأله رسماً قبول نکرده است. زمانی این دولت ها به حرکت درآمدند که این بیماری از محدود و اقلیت هلو مختلف خارج شده و کل جامعه را تهدید کرد.

۲- از آنجا که سرمایه داری همه چیز را تهدید می کند به کالا می کند، علم هم در این میان مستثنی نیست. مدت ها بر سر اینکه این ویروس را فرانسوی ها کشف کردند یا آمریکایی ها چنان جدلی در گرفت که مانعی سر راه پیشرفت علمی در زمینشده. این البته یک دعوی علمی نبود. مسئله بر سر این بود که سود حاصل از فروش آزمایشات خون و بعد ها واکنش هایی که احتمالاً کشف خواهند شد نصیب بقیه در صفحه ۱۳

آموزش مهاجرین در فرانسه ،

بازتولید فقر

فرانسه متولد شده اند و اکثریت بزرگی از آنها در فرانسه باقی خواهند ماند. بنا بر این هدف اصلی یک سیستم آموزش صحیح ، باید پرورش و جذب آنها در تمام سطوح جامعه باشد تا آنکه لازم آن موفقیت در مراحل آموزشی است. حال آنکه گرایش کنونی این سیستم معطوف به راندن مهاجرین به پایین ترین سطوح جامعه است .

تلقین بار شدن مهاجرین در نواحی فقیرنشین شهرها و عواقب مخرب آن در آموزش فرزندان مهاجرین دور باطل بازتولید فقر را در جامعه ای که به علت بحران و بیگاری، تحمیلات عالییه یک راه نجات زحمتگر است ، سبب می شود. بدیهی است این مسئله راه حل دیگر تیک می طلبد. طبیعی است که دولت دست راستی فرانسه نه تنها دست به چنین اقدامات رادیکالی در جهت بهبود شرایط اجتماعی نسل جوان مهاجرین نخواهد زد ، بلکه با دادن زدن به گرایش های ناسیونالیستی افراطی و سایر تضییقات ، می کوشد تا خارجیان را بیش از پیش از مشن فعلی استعجابی براند. در بحران عمیقی که گریباً تکثیر نظام سرمایه داری است دولت می کوشد تا عوارض بحران را مانع از بیگاری راه حضور خارجیان نسبت دهد و آنها را از امتیازات اجتماعی محروم نماید. لایحه دولت شیراک در مورد تغییر قوانین آموزش عالی که آشکارا فرزندان طبقات کم درآمد و بویژه خارجیان را از تحمیلات عالی محروم می کند ، نمونه سیاست های دولت در مورد آموزش و از جمله آموزش خارجیان است .

آموزش ، تقریباً با همان پایه ای شروع می کنند که کودکان فرانسوی و تقریباً ۸۰ درصد کودکان مهاجرین از سه سالگی به کودکان می روند . اما مسائل آنها از هنگام رفتن به مدرسه آغاز می شود. در این مرحله میزان ردی بسیار بالاست . تعداد دانش آموزان خارجی که در کلاسهای تقویتی ویژه شرکت می کنند چشمگیر است و این روند تا دبیرستان ادامه می یابد . پس از دو سال از فرزندان مهاجرین (در مقابل دانش آموزان فرانسوی) به مدارس حرفه ای هدایت می شوند. در انتهای دوره آموزش متوسطه ، دانش آموزان خارجی تنها ۳/۸ درصد دانش آموزان سال آخر دبیرستان را تشکیل می دهند .

یکی دیگر از عوامل شدیداً این امر سیستم ویژه آموزش مهاجرین است که آموزش زبان و فرهنگ بومی را در آموزش عمومی ادغام نمی کند. این امر اگرچه به علت دخالت بیشتر والدین در آموزش باعث تعدیل بیشتر شخصیت کودکان می گردد ، اما مسئله مهمی که باید بدان توجه شود ، محدودیت ها و عواقب منفی این سیستم آموزشی است . این سیستم سیخ عنوان جوانگوی نسل دوم و سوم مهاجرین که در تمام جبهه فرانسوی هستند نیست. در ضمن هدف این نوع آموزشی مخدوش است. زیرا چنانچه هدف از آن حفظ فرهنگ و زبان بومی برای بازگشت به موطن اصلی باشد، باید بین آنها آنکه بازگشتشان محتمل است و آنکه در آن کشور می نمانند تفاوت قائل شد. بیش از ۷۰ درصد کودکان خارجی که وارد مدرسه می شوند در

فرزندان مهاجرین در فرانسه ، بیش از پیش از سیستم آموزش عالی به علت نازل بودن قابلیت های آکا دمیک آنان حذف می شوند. موفقیت های دانشگاهی رابطه نزدیکی با عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی دارد و دانش آموزانی که مهاجرین از پیشوند فرهنگی - علمی فقیرتری برخوردارند. اما این تنها یک جنبه قضیه است . مسئله بسیار مهمی که بر روند آموزش فرزندان مهاجرین تاثیر می گذارد ، نحوه اسکان آنها و پویا مدهای آن بر آموزش آنان است و ویژگیهای سیستم آموزش مهاجرین نیز تا شیرات معین خود را دارد .

در برخی از نواحی شهرهای ماری ، تویه کوان و پاریس همان روندی در جریان است که در گذشته در شهرهای شیکاگو و واشنگتن در مورد سیاهپوستان در جریان بود. خانواده های فرانسوی ترجیح می دهند بجای فرستادن فرزندان خود به مدارس که پر از خارجی است و به اعتقاد آنها سطح آموزش را پایین می آورد و یا سبب رفتارهای عامیانه کودکان می شود ، خانه خود را عوض کنند. بدین حال این جایگاهی جمعیت و متمرکز شدن مهاجرین در یک محل ، مدارس بسیاری یافت می شوند که تا ۷۰ درصد دانش آموزان آن را خارجیان تشکیل می دهند. این نحوه توزیع دانش آموزان خارجی که نتیجه تمرکز مهاجرین در محله های فقیرنشین است ، با زتاب سیاست نادوست اسکان و یادرواقع بی توجهی دولت به نحوه اسکان مهاجرین و عواقب آن است . کودکان مهاجرین بهنگام ورود به محیط

ادامه از صفحه ۱۲

ابدوز: میخ دیگری بر ...

چه کسی می شود!

۳- چشم انداز اسود های کلان ناشی از فروش نتایج آزمایش خون و مصرف داروئی میلیونها بیمار دهان ها را به آب انداخته است. در این میان شرکت های فراملیتی داروئی به تکاپو افتادند و بهی گد ارباب زدند. برای سبقت قبل از رقیب می - بایستی سریعتر روی انسان آزمایش کرد. دیگر نمی - شد آنطور که معمول بوده آزمایش های اولیه را روی حیوانات شروع کرد. سود های افسانه ای و سوسه میکرد. بنابراین آفریقای ستمدیده و باره مورد بیورش قرار گرفت و مردم بی گناه و زنده جانی - خهرتیدیل به موش آزمایشگاه شدند. این حرکات چنان مفتضح بود که صدای برخی محافل علمی راهم در آورد .

۳- راسیسم نهفته در این نوع آزمایش ها - تنها یکی از انواع گرایش های ارتجاعی سرمایه - داری انحصاری بود. در خود کشورهای صنعتی پیشرفته راست جدید این اپیدمی را بهانه قرار تا سلطه خود را بر جوامع تحکیم کند. اپیدمی آیدز بهانه ای بود برای سرکوب هر چه پیشتر در مکراسی - رنگان آزمایش خون را برای مهاجرین اجباری اعلام کرد تا اینطور وانمود کند این خارجی ها هستند که ناقل این بیماری مهلک می باشند و همچنین تست آیدز برای زندانیان اجباری اعلام شد. صحبت از این است کسانی که آزمایش آنها مثبت اعلام میشود بطور اتمی در زندان نگهداشته شوند .

استفاده باشد. در چنین چشم اندازی استراتژی مقابله با این بیماری مستلزم همکاری وسیع در سطح بین المللی و اختصاص بودجه های عظیمی برای آموزش و درمان می باشد. برای نیل به این مقصود بایستی در سطح جهانی به این بیماری چون آتشی که نظام سرمایه داری آن را چون باد می گسترش می - دهد برخورد شود .

کمونیستها میبایستی شیوه های فاشیستی ضد دموکراتیک کشورهای سرمایه داری صنعتی و دولتی کشورهای تحت سلطه را افشا کنند و نشان دهند که گسترش بی امان این بیماری از عوارض نظامی است که بر پایه سود استوار است. در همین حال میبایستی نشان داد که بهای این اپیدمی را باید بر کوشش اقتصاد کشورهای تحت سلطه که تا خرخره به بانک های جهانی مقروضند می برد آزند و بی شک این فشار بردوش کارگران و زحمتکشان این کشورها وارد خواهد شد. میبایستی آزمایش های غیر انسانی روی مردم کشورهای آفریقائی را در سطح وسیعی افشا کرد. همین امروزه اغلب شهرهای اروپا و آمریکا و آفریقا نهاد های توده های و دموکراتیک در سطح محلات و بطور اوطلبانه تشکیل شده اند تا به قهرمانی های این بیماری کمک کنند. میبایستی برای توده ها روشن کرد که از آنجا که آیدز یک بیماری اجتماعی است و تنها از طریق آموزش توده های و همگانی قابل کنترل است. و بیلاخره اینکه باید به مردم گفت آیدز یک بلیه جامعه سرمایه داری و نشان سقوط ارزشهای معنوی است و تا زمانی که این نظام پابرجاست مردم با فجاجی مشابه دیگری روبرو خواهند بود .

د آلمان مدتهاست که دانشجویان آفریقائی را آزمایش اجباری می کنند تا در صورت مثبت بودن به کشورهای پس بفرستند. در ایالت بایرن آلمان غربی متقاضیان شغل دولتی میبایستی بطور اجباری آزمایش شده و در صورت مثبت بودن حذف شوند. در ایسلند مبتلایان به ویروس HIV بطور قانونی در منزل بازداشت شده و تنها زیر کنترل گارد حق بیرون رفتن دارند. در اغلب کشورهای مبتلایان به این بیماری را از کار اخراج می کنند در حالیکه کوچکترین خطری کسی را تهدید نمی کند .

بنابراین هیستری ضد آیدز دست در مکراسی گاذب کشورهای امپریالیستی و احساسی روکسود است. در ولت هایی که تا دیروزه از حقوق بشر می زدند امروزه زقنر نطینه کردن ، خالکوبی کردن و حتی زندانی کردن مبتلایان به این بیماری صحبت می کنند. در مکراسی غرب می خواهد بیماری ای که ریشه های اجتماعی دارد و راه حل آن هم اجتماعی است را از طریق ایجاد زندان از بین ببرد. هیستری ضد آیدز بطور عمدی با هیستری ضد خارجی و راسیستی توأم شده است. و حتی صحبت از اپیدمی شده است که این اپیدمی را حل جهانی برای مسئله اضافه جمعیت و کمبود مواد غذایی در سطح جهانی میباشد. دکتر مان (Mann) رئیس سازمان بهداشت جهانی در سخنرانی در سوئیس گفت فرانس بین المللی آیدز (ژوئن ۸۷) اشاره کرد که برخی محافل می گویند بهتر است آفریقا و برخی دیگر از مناطق جهان را بحال خود رها کنیم!

* * *

در حال حاضر واکنشی برای این ویروس وجود ندارد و بعید است تا عیاً ۷ سال دیگر امساده

سراب خمینی سراب حزب توده

شاید بعضی‌ها هنوز برای بنیادین‌ها شنیده‌اند که حزب توده دیگر امید به جمهوری اسلامی و شخص خمینی ندارد و دوران دفاع از "خط امام" و "امام ضد" - امیراللیست" بعد از "شوهای تلویزیونی" سران تا دم‌خواهن برآمده است. اما همه اینها خیالی نیست و پیش نیست و امیراللیست حزب توده و نویسندگان "نام مردم" به پیروزی اسلام "امام خمینی" همچنان با برجاست و کوشش برای به راه آوردن این امام و کشیدن وی بسمت اردوگاه سوسیالیستی و غنابخشیدن به شعارنه شرقی نه غربی همچنان ادامه دارد.

این با ریپام خمینی به زائران مکه در قلب حزب توده هم شکر کرد. و شوقی در او برانگیخته تادر انتقاد به کج رویهای رژیم - البته با رنگ و بوی مناسب شرایط امروز و اظهارات آگاسی خمینی به مصالح کشور، گمراهی‌های او را متذکر شود. نام مردم در شماره ۱۶۹ خود در مقاله‌ای بنام "سراب" چنین می‌نویسد:

"آنچه که خمینی ترسیم می‌کند شعارنه شرقی و نه غربی بمثابه "شعار اصولی انقلاب اسلامی" بر پایه کمونیسم ستیزی است. و بر آن است که "روشنفکران اسلامی" باید راه "دگرگون کردن جهان سرما به داری و کمونیسم" را بیچما بیند. در قاف مونس او "کمونیسم و زراندوزان و سرما به داری" در یکصف

یعنی در برابر صف "اسلام" قرار می‌گیرند و آنها هستند که گویا در تشریح مسامی با یکدیگر "حق حیات و ابتکار عمل" را از نام مردم سلب کرده اند!

تا اینجا حزب توده می‌خواهد اهداء کند که خمینی هم ضد کمونیست و هم ضد سرما به داری و ضد زراندوزان است! مرفنظرا زاینکه خمینی نه آن زمان که "امام فدا مبریا لیست" بود و نه این زمان که حزب توده را از بارگاه خویش رانده، هرگز، "زراندوزان" و "سرما به داری" را در مقابل اسلام نمی‌داند و دست در دست سرما به داری نمی‌داند. آنها یثا برای عوام فریبی بزمخالف خوانی می‌گفته است، اما حاشا و لاله اگر در کمونیست کشی یک لحظه تردید بخود راه داده باشد، مخالفت خمینی با سرما به داری پیش از آنکه واقعیت عینی داشته باشد و امری جدی باشد همواره سراسی بیش نبوده، سراسی که تنها رفرمیست‌های توده‌ای - اکثریتی را تشنه بدنبال می‌کشیده است. "نام مردم" ادامه میدهد:

"اگر او شعارنه شرقی و نه غربی را به معنی عدم تعهد در برابر دوزخ و سوسیالیستی و سرما به داری و نه به معنی کمونیسم ستیزی افسار رگسیخته تلقی می‌کرد، اگر با درک ماهیت واقعی دوزخ و تضاد سرشتی و آشتی‌نا پذیر آنها و شناخت دوستان و دشمنان انقلاب راه استقلال و قطع وابستگی بویژه اقتصادی به کشورهای امیراللیستی را پیش می‌گرفت. و... "بی‌گمان این شعار (شعارنه شرقی و نه غربی) نمیتوانست برای بسیاری از خلق‌های منطقه جذبات و گیرائی داشته باشد."

داستان همان داستان قدیمی حزب توده است

که خمینی درک درستی از ماهیت واقعی دوزخ نام جها نی (سوسیالیسم و سرما به داری) و تضاد سرشتی و آشتی‌نا پذیر آنها ندارد و کماکان در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب در گمراهی است. و هنوز هم راه حل سوم یعنی همان "سراب" جمهوری اسلامی و ورق سوخته و تمام شده‌ای نیست.

پس مقاله با عصبانیت ادامه می‌دهد: "آنچه که خمینی هرگز درک نکرد این بود و هست که خط قرمز تضاد در عرصه داخلی همیشه بین طبقات بهره‌کش و بهره‌ده می‌گذرد و نه بین مسلمانان و غیرمسلمانان" برخلاف آنچه که مقاله نویسنده نام مردم می‌خواهد بقبولاند هم خمینی و هم سراسی را در حکومت اسلامی خیلی خوب فهمیده اند که خط قرمز تضاد در عرصه داخلی و هم بین لمللی نبرد طبقاتی و جنسیت تمام عیار دوزخ و تضاد در سرما به داری است و تمام تلاش آنها معطوف بر این قضیه بوده و هست که تضاد طبقاتی را به آشتی طبقاتی تبدیل نمایند و حکومت روحانیت را واسطه این آشتی طبقاتی قرار دهند. اصطلاح مستضعف و مستکبر در برابر استعمار - شونده و استعمارگر بجهت اینقدر تبلیغ نمی‌شود، این همانا شما در آ می‌بخشند طبقات با یکدیگر و "مستضعف" قلمداد کردن استعمارگران است. اما نکته‌ای که حزب توده هیچگاه درک نکرده است، این است که خمینی و دستگامه کاملاً در شناخت منافع حکومتی خود در اشتباه نبوده و ذره‌ای توهم نسبت به دشمنان طبقاتی‌شان نداشته اند. ولی چه می‌شود کرد که افق دید پورتونیسم فرا ترا ز این نمی‌رود و اعتماد می‌کش به بورژوازی و جاکر منشا ش بس دولت‌های آن هیچگاه نمی‌شکند.

ما و خوانندگان

رفیق یا شاره‌ها ما شما رسید. دقت نظر شما مبنی بر توجه به روحیات و روانشناسی مخاطبین اصلی نشریه پیام‌کارگر کاملاً ملاحظه است. اما در تعمیم این ملاحظه به انتخاب نام "پیام‌کارگر" بعنوان یک گرایش فرمالیستی کمی افراط دیده می‌شود. در انتخاب این نام برای نشریه کمیته خارج از کشور پایگاه طبقاتی و گرایش فرهنگی مخاطبین ملاک نبوده است، بعلاوه همانطور که شما هم میدانید قدرت نفوذ یک نشریه اساساً تابع محتوای است که عرضه می‌کند، چه بسا رنشریات که از روی یک گرایش فرمالیستی نامی ظاهراً دلخواه بر می‌گزینند ولی ذره‌ای در دل خوانندگان خود رخنه نمی‌کنند.

اما تذکر دیگر شما در مورد متاع از درج اطلاعیه‌ها و پیام‌ها، کمیته مرکزی که در نشریه راه‌کارگر منتشر می‌شود و جلوگیری از تکرار و دوباره کاری مورد قبول ما هم هست، سیاست "پیام‌کارگر" در این زمینه، درج پیام‌های مهم رگان‌های مرکزی است، که با بدوسیعا و متمرکز تبلیغ شوند.

رفیق حمیدنا موصیما نه و محبت آمیزتان را در یافت کردیم. متقابلاً برای شما آرزوی موفقیت و پیشرفت‌های شایان در همه عرصه‌ها داریم. نکات جالبی را که در مورد درج نامه‌های ایران، شرح مبسوط و تحلیلی بیشتر جنبش ۳۵ ساعت کار و جنبش‌های دانشجویی، و همینطور توجه به مسائل دانشجویان ایرانی تذکر داده بودید مورد توجه ما قرار گرفت. در مورد ضرورت انعکاس پیشرفت‌ها و مشکلات جامعه کشورهای سوسیالیست بخصوص بعزت فضای مسموم تبلیغات ضد کمونیستی کشورهای امیراللیست ما هم با شما هم عقیده‌ایم و اینرا یکی از وظایف پیام‌کارگر می‌دانیم.

رفیق از یوگسلاوی تعداد زیادی طرح از بریده - های روزنامه‌ها و کارهای خودتان که در ترا ریسه - برای ما ارسال کرده بودید، دریافت کردیم. از همکاران ما هم با شما متشکر هستیم. امیدواریم با زهم مثل همیشه همکاران ما باشید.

رفیق حبیب! نامه شما را که در ترا ریسه - ۱۹۸۷/۸/۳ نوشته‌اید، دریافت کردیم. از حسن توجه شما به نشریات ما زمان "راه‌کارگر" و "پیام‌کارگر" تشکر می‌کنیم. و نیز نکاتی که برای بهبود کیفیت "راه‌کارگر" راگان کمیته مرکزی ما زمان پیشنهاد کرده بودید، برای هیئت تحریریه ارسال شد که مالی اسالی شما در لیست کمک‌های مالی درج خواهد شد. امیدواریم که ارتباط و همکاری خودتان را با ما ادامه دهید.

رفیق سرا بنده شعر "آزدها" را شما رسید. اگرچه این شعر نشان می‌دهد که شما با آثار شاعران معاصر آشنا هستید و خود شکرده‌های کار را دریافت‌اید اما شعر "آزدها" از یکدستی و انسجام لازم برخوردار نیست. منتظر کارهای دیگر شما هستیم. دستتان را می‌فشاریم.

رفیق م، پرواز شعر شما را خواندیم. اگرچه در مضمون انقلابی اثرتان بحثی نداریم، اما این مضمون با فرمی که انتخاب کرده‌اید، همخوانی ندارد. و بیشتر بر این شعاری دارد تا بیانی. ما اینها را به شما عرضه می‌کنیم. دستتان را می‌فشاریم و منتظر آثار بعدی شما هستیم.

۱۷ شهریور

بلوغ جنبش انقلابی

محکومیت مجدد رژیم فقها بخاطر اعمال شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی

پس از اعلام محکومیت رژیم جمهوری اسلامی توسط سازمان عفو بین الملل بخاطر نقض حقوق بشر و اعمال شکنجه علیه زندانیان سیاسی در اردیبهشت امسال، اخیراً نیز از سوی کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قطعنامه محکومیت رژیم با زهم بخاطر اعمال کردن حقوق زندانیان و اعدامها هزار نفر از آزادیخواهان به تصویب رسید. تصویب این قطعنامه و انتشار آن با ردیگر احساس نفرت از این رژیم سفاک را در میان مردم جهان بیدار کرده است. بیشک اعلام این نظر در شرایط کنونی که هنوز سیارات زندانیان سیاسی ایران فروکش نکرده است و اقدامات حمایتگرانه در نقاط مختلف جهان از سوی نیروهای ترقیخواه ایران ادامه دارد در حقیقت مبارزه عادلانه مردم ایران را علیه رژیم به ثبوت میرساند.

ادامه از صفحه ۶

معرفی کانوها و تشکل های دموکراتیک

فرمانده آلمان غربی - شورای اجرائی کانسون پناهندگان سیاسی "افن برگ" با ارسال نامه های به آدرس مآتاسیس کانسون و آغاز کار آنرا اعلام کرده است. شورای اجرائی کانسون پناهندگان سیاسی "افن برگ" (منطقه بادن ایالت ورتمبرگ) که در تاریخ ۱۹۸۷/۷/۱ در اجلاس مجمع عمومی کانسون برگزیده شد با ارسال منشور و اساسنامه خود درخواست همکاری در همه زمینه های مربوط به مسائل پناهندگان را کرده است. ما همسانگونه که را اولین شماره پیام کارگزار اعلام کرده ایم همکاری و همکاری با تشکل های دموکراتیک پناهندگان را جزو وظایف درجه اول خود میدانیم و از پیشنهاد شورای اجرائی کانسون استقبال می کنیم.

آدرس موقت کانسون پناهندگان سیاسی افن برگ :
Torkan- Nussbacher Str. 6

* 7602 OBEKIRCH

* Zusenhofen B.R.D

معرفی کانوها و تشکل های دموکراتیک :

۷- "خبرنامه" نام نشریه ایست که متقاضیان پناهندگی سیاسی ایرانی و ستدوالدکرایز-آلمان فدرال منتشر می کنند. شماره های این خبرنامه که تاریخ ژوئیه و اوت ۱۹۸۷ را دارا منتشر شده است.

آدرس خبرنامه :

Postlagerkarte Nr: 104826 - G

5439 Rennerod

W - Germany

مرتا سرشوق تهران زیبا رستانا نیروی هوایی بمصحنه یک کارزار واقعی شبا هت داشت ، درب خانه ها بر روی تظار کنندگان گشوده شد ، بسیج توده ای بی نظیری متشکل از کاروانا تومبیل های در حال حرکت ، و نیروی امداد پزشکی به شکل خود بخودی برای انتقال شهدا و زخمی ها به بیمارستان ها و درمانگاه ها در سطح شهر بر راه افتاد . مدها خانه و آپارتمان به محل انجام کمک های اولیه پزشکی تبدیل شد . شهر خونی که در زاله جاری شد با سرعت وصف نا پذیریتما م شهر را در جنگ کینه خود گرفت . بانک ها و فروشگاه های بزرگ زنجیره ای بعنوان نظهریبا رز و تجلی سرما بیهامیریا لیستی طعمه آتش خشم توده ها گردید .

تقارن ۱۷ شهریور با شروع اعتصاب سیاسی کارگران و کارکنان فتنی لاینگاه تهران زمین ارتباط ژرف جنبش توده ای با جنبش کارگری است . بیگمانا بینه و اهرم سترگ انقلاب بهمن نقش مکمل یکدیگر را داشتند و اگر جنبش توده ای با خلق ۲۹ بهمن ها ، ۱۷ شهریور ها و ۱۳ آبانها مشروعیت (نداشته) و توریته رژیم را بیزیر کشید ، اعتصاب سیاسی کارگران صنعت نفت و دیگر واحدهای مهم تولیدی کم رژیم را شکست ، گلویش را آنقدر فشرد تا از پای در آورد .

در سالروز هفده شهریور با گرامیداشت حماسه آفرینان این روز بزرگ ، اطمینان دارم رژیم خون سرخ قهرمانان گمنامی که زینت بخش هر کسوی و بوزن گردیدند بیگانه بود که خلق برای بیاری درخت آزادی بنا نمود تا هر چه زودتر با رور کرد و دپاسخ قاطع کارگران روز حمتکشان به نظام فرستوت سلطنت وستم سرما بیه بود ، دریای خونی که برای همیشه لکه سنگ و پلیدی نظام شاهنشاهی را از دامن خلق زدود و آئینه ایست تمام نما ، بسا جنایتکاران دیروزی که امروز نقاب آزادیخواهی بر چهره زده اند ، خود را در آن ببینند .

کارگران روز حمتکشان در هفده شهریور قهرمانی ها کردند تا جا معادای عاری از ستم طبقاتی و مبتنی بر عدالت اجتماعی بنیاد دهند . توده ها جنگیدند تا تمام مظار ستم را نابود سازند و بربینای ویرانه های آن آزادی واقعی و دموکراسی حقیقی بنیاد سازند ، نه برای خلافت فقهای خون آشام . بیگمان دیری نخواهد پاید که سیدک برپا کنندگان هفده شهریور رژیم جنایت پیشه و جنگ افروز فتنی را همچون رژیم منحوس سلطنتی سرنگون کرده و اینبار حکومتی مبتنی بر راه کارگران و زحمتکشان بنا خواهند کرد !

بیگمانا روز هفده شهریور ، روزی حماسی و تاریخ بر فراز و نشیب مبارزه کارگران روز حمتکشان است . روزی که توده های میلیونی سینه های خود را در برابر آتش دشمن گشودند و راه قاطع خویش را در برابر سرنگونی نظام سنگین سلطنت به نمایش گذاشتند . رژیم مزدور شاه و اربابان آمریکا شاکه از زهیت خروش توده ها و اوچتظ هرات بی باقه و منظم تهران در روزهای ۱۳ و ۱۶ شهریور بر خود می لرزیدند ، بسا دستپاچی تمام در بیا بخت و بیا زده شهر دیگر اعلام حکومت نظا می کردند .

ساعت عبا مدام در روز ۱۷ شهریور ، میدا بژاله شهرانمیبا دنگه جمعیت انبوهی بود که روز قبل در بیا بیا نظا هرات یکمدا اعلام کرده بودند در طول با مدامد فدا بیه نشانی تجلیل ز شهدا و دو هفته قبل در میدا بژاله گردآیند . ساعت هفت صوف بهم فشرده جمعیت از میدا ن "روزیه" تا استادیوم شهابا زرا در بر گرفت . خبر خردست نظا می و ممنوعیت نظا هرات و اجتماع توسط ماموران مسلح رژیم که از طریق خیابانها و فرعی خود را به مرکز تشکل جمعیت در میدا رسانده بودند اعلام گردید ، با سخته خاطر سرهنگ مزدوری که پس از فرار از میدان اعلام حکومت نظا می دولت از مردم می خواست بر اکنده شوند و گرنه شلیک خواهند کرد غریبگو مرگ بر شاه" بود .

آنگاه حادثه ای رخ داد که با دیدن حق آنرا لحظه انقلاب و دیگرگون شدن ولحظه اوچ جنبش توده ای و اعتلای انقلابی دانست . لحظه تجلی راه یکپارچه توده ها برای ایستادن تا سرحد مرگ ، ولحظه جانفشانی با خون سرخ برای آزادی و رها شای ز قید ستم قسرون و اعمار ، ولحظه ایستادن مبارزه برای خاتم دادن به حیات سنگین سلطنت و شاه مزدور .

هنگامی که سرهنگ مزدور شاه در لباس رنجهای آمریکا بی فرمان شلیک داد در صف مقدم جمعیت دکمه پیراهن ها گشوده شد و سینه های عریا نپذیرای گلوله های مذبذب گردید و فریاد های "مزدور شلیک کن" "من آماده ام" از هر سو برخاست . بورش مزدوران بهر جمعیت بی سلاح و بدون دفاع از زمین و هوا همزمان چون ما عقب نازل گردید . میدان ژاله ، خیابان های شهباز ، ژاله و پیروزی (فرج آباد) به خسون چند هزار تن از زحمتکشان رنگین شد .

همه کس و همه جا هدف گلوله های سنگین تیرباران تفنگ های خود کار قرار می گرفت ، و این در حالی بود که سردمداران رژیم تا روز پیش از فضای باز سیاسی دم میزدند و هنوز دو هفته از عمر کابینه "آشتی ملی" شریف امامی نگذشته بود .



عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین و کوهردشت

در پی فراخوان دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان نه تنها می نیروهای انقلابی برای پشتیبانی از اعتصاب غذای قهرمانان زندانیان سیاسی اوین و کوهردشت، پیشمرگان قهرمان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پاسخ به این فراخوان عملیات کوبنده ای را علیه مزدوران جمهوری اسلامی در منطقه پیرا شهر و سردشت به اجرا درآوردند.

شبانگه ۶/۵/۱۷/۸۵ حمله دستهای پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پی شناسایی دقیق پایگاه "پسیگان" واقع در منطقه "بری مرگان" از توابع پیرا شهر برای اجرای یک طرح عملیاتی به آن نزدیک شدند، پیشمرگان پس از استقرار بر بلندبندیها مسلط بر پایگاه به دودسته تقسیم شده، عملیات خود را بمناسبت پشتیبانی از اعتصاب غذای قهرمانان زندانیان سیاسی شروع کردند.

اصابت اولین موشک آرپی جی به یکی از سنگرها و پایگاه تعدادی از مزدوران نیز با هلاکت رساند و زخمی نمود. همزمان با شلیک موشک آرپی جی، پایگاه مزدوران از دو طرف زیر آتش بیوقفه مسلسلهای پیشمرگان دلیر قرار گرفت. مزدوران پایگاه که انتظار چنین حمله ای را نداشتند، غافلگیر شده و توان هرگونه عکس العملی را در ابتدای حمله از دست دادند. پس از چندی پایگاه "پسیگان" به همراه سه پایگاه اطراف آن در یوانه و اروبی هدف منطبقه را زیر آتش گرفتند.

این عملیات ۴۵ دقیقه بطول انجامید. از میزان دقیق تلفات وارده بر مزدوران رژیم اطلاعی در دست نیست. پیشمرگان پس از اتمام عملیات همگامی با مملکت منطقه عملیات را ترک کردند.

توب و خمپاره ها را در منطقه از سوی پایگاه های مزدوران تا ساعت ۲/۵ شب ادا مداخلت که بر اثر اصابت یک گلوله خمپاره به روستای "پسیگان" چندراس از گوسفندان اهالی این روستا تلف شدند. اما خوشبختانه زیان جانی به همراه نداشت.

در تاریخ ۶۶/۵/۱۸ چند دسته از پیشمرگان پس از شناسایی کامل پایگاه "کاولان" واقع در منطقه سویسی سردشت خود را به چندده متری اطراف پایگاه رساندند. پیشمرگان پس از استقرار در دو سمت پایگاه به انتظار دستور فرمانده عملیات ماندند. در ساعت ۸/۴۵ عملیات با شلیک موشک آرپی جی، ورگبار بیامان سلاحهای پیشمرگان آغاز شد. از همان آغاز عملیات در اثر اصابت موشک آرپی جی، بخشی از پایگاه به آتش کشیده شد و مزدوران هراسان و سراسیمه پراکنده شدند، بطوریکه فریاد و جیست زده آنان شنیده می شد.

پس از گذشت مدتی با ردیگری و فرار دلیرانه پیشمرگان ب طرف پایگاه شروع شد و یکبار دیگر موشک آرپی جی و آتش سلاح پیشمرگان بر مواضع مزدوران باریدن گرفت.

مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش تعرض پیشمرگان با انواع سلاحهای سنگین و سنگین سنگر پیشمرگان را مورد حمله قرار دادند و با پایگاه های اطراف با خمپاره ۸۵ و ۱۲۰، دوشکا و آرپی جی به کمک مزدوران شتافتند. در پایان این مرحله از عملیات به دلیل آتش سنگین دشمن ز طرف فرمانده عملیات دستور عقب نشینی به پیشمرگان داده شد. در این عملیات حداقل ۲ تن از مزدوران با پایگاه هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند که از آنجا اطلاع می در دست نیست. تمام پیشمرگان بعد از اتمام عملیات سالم منطقه عملیاتی را ترک کردند.

سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

پیروزی دجنش عادلانه خلق کسرد!

درد و سوزندانیان سیاسی فرزندان راستین کارگران و زحمتکشان ایران! سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان ۱۳۶۶/۵/۲۶

پس از یک دوره برنامه آزمایشی

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه های خود را از اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶) رسماً آغاز کرده است. صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگاهرتز پخش می گردد.

برنامه هر شب، ساعت ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.

برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر سپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS - CEDEX 12 FRANCE | آدرس پیام کارگر | POSTFACH 650226 1 - BERLIN 65

RAH E KARGAR

EVIN hunger strike War sinking in a quagmire. Text in Persian and English discussing the hunger strike and the war situation.